

# سیاست خارجی ایران به راه درست گام گذاشته است



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۸۴  
دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۲ محرم ۱۴۰۱، بهای ۱۵ ریال

## نشیبی در راه اصلاحات ارضی

● تاخیر در اجرای بند (ج) باعث تاسف و نگرانی فزاینده مالکان و لیبرال‌هاست.  
● قدرت سر نوشت ساز دهقانان و نیروهای انقلابی در خط امام می‌تواند این فشار ضد انقلابی را درهم شکند.

مسئله بسیار حاد و اساسی زمین - یکی از مسائل مهم و حیاتی انقلاب - مدت ویرانی یافته است. ۲۲ ماه بعد از پیروزی انقلاب، در کشوری که یکی از بزرگترین انقلابات مستضعفین علیه مستکبرین را انجام داده هنوز مسئله زمین، که مربوط به اکثریت مطلق مستضعفین، یعنی دهقانان زحمتکش است، حل نشده است. هنوز عده سرطانی بزرگ مالکی، این عصاره فاسد و غارتگر استکبار، ریشه کن نشده است. میلیونها کوخستین روستاها، که انقلاب، از جمله، نمره مشارکت و فداکاری آنها بود، هنوز بر قنوطالهای کاخخشین، آن پیروزی تاریخی و دوران ساز راه، که عیارست از رسیدن حق به حق‌دار و زمین به دهقان، بی‌بست نیارده‌اند. آری نیاز جامعه، حکم انقلاب، ماه خواست توده محروم، دهقانان ما هنوز بر آورده نشده است.

هنوز ولی ته برای همیشه، نه برای مدت زیادی، دیر شده است، ولی متغی نشده است. آقای محمدعلی رجایی نخست‌وزیر، در سخنرانی اخیر و آگنداری زمین بدرستی گفت:

مسئله زمین تنها مسئله انقلاب ما نیست بلکه یکی از مسائل آنست.

اگر قبول کنیم که اگر چه تضامنه نیست، ولی از اهم مسائل و یکی از مسائل گره انقلاب است، آنوقت می‌توانیم باین نتیجه برسیم که، انقلاب ما هرگز این مسئله خود را حل نشده باقی نخواهد گذاشت.

دهها و صدها سال به ملتقات وطن فروترو به منافع بیگانگان غارتگر خدمت کرده و حکومت‌های گذشته ایران، طبق طینت پهلیدی خود، همیشه در کنار دیگر جباران و فاسدان جهان قرار داشته‌اند.

انقلاب بزرگ ما این امکان را بوجود آورده است که ما سیاست خارجی مردمی و استیلاطلبانه داشته باشیم و دولت کشور ما نه در کنار نوکران استعمار و امپریالیسم، بلکه سیاست خارجی ایران نیز طی

مستولان متحد) و با تکیه بر نهاد پاک و خلقی اعتماد به - حقانیت خود، افسانه کاذب «انزوای» خیالی راه، که دشمنان انقلاب - مدعیش بودند، باطل ساخت و با رشادت و سریلندی گام دیگری در صحنه جهانی نهاد.

تا تاریخ بیاد دارد، از آنجا که حکومت ایران (باستثنای برهه - های بسیار کوتاه) همیشه در دست دشمنان خلق و نوکران استعمار و امپریالیسم بوده است، سیاست خارجی ایران نیز طی

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، بقول یکی از جراید، «واقعا با دستانی پر» از سفری پر بار بازگشت و مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی شنبه گذشته، با زتاب پرچسته دیگری از روآورددهای پر ارزش این سفر بود.

انقلاب بزرگ ایران و جمهوری اسلامی ایران، بویژه با این سفر رئیس مجلس (و همچنین با مسافرت‌های اخیر دیگر

## نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران در اغلب جبهه‌های جنگ بر تری کامل خود را برای نیروهای متجاوز حفظ کرده‌اند

بوسیله موشک‌های به غنیمت گرفته شده از ارتش عراق به وسیله برادران رزمنده ما نابود شد.

در ادامه عملیات قهرمانانه نیروهای جمهوری اسلامی ایران، طی جمعه شب و پرروز آخرین نیروهای فریب‌خورده بعثی مستقر در «دب حران» وادار به عقب نشینی شدند. در این عملیات بر اثر توپخانه رزمندگان اسلام سه دستگاه تانک، غلطک و لودر دشمن منهدم و سرتینان آنها به هلاکت رسیدند. نیروهای جمهوری اسلامی ایران در این یقه درصفت ۴

حمیدیه، توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن را منهدم کرد. ولی هنوز از خسارات و تلفات وارد شده بر دشمن اطلاع دقیقی در دست نیست.

سه روز پیش توسط توپخانه و خمپاره اندازهای ایران در شرق سوسنگرد دو تانک منهدم و ۵۰ نفر از مزدوران بعثی کشته و یا زخمی شدند همچنین در جبهه سهدون حمودی سه تانک دشمن سوخت و یک تانک، دو خودرو حامل مهمات و یک دستگاه تانک بی ۲۱ بی دشمن متجاوز یا سرب - نشینان منهدم شدند. یک دستگاه کاتیوشای دشمن نیز

گزارش‌های رسیده از جبهه - های جنگ، تا پریشته، نشان میدهد که ایران در اغلب جبهه - های جنگ بر تری کامل خود را بر نیروهای متجاوز حفظ کرده و در بخشی از جبهه‌ها، دشمن مواضع اشغالی را از دست داده است.

در جنوب پرروز بر اثر آتش خیماره برادران سپاه پاسداران مستقر در جبهه سوسنگرد، یک قبضه توپ ضد هوایی دشمن منهدم و ۱۰ تا ۱۵ نفر از لشکر کفر کشته و زخمی شدند. همچنین در محور جاده سوسنگرد -

## بورژوازی اسرائیل موروثی انقلاب

### بورژوازی لیبرال از پیروزی انقلاب بر صدام حسین و عواقب آن وحشت دارد

روزنامه میزان در سرمقاله ۸ آذرماه ۵۹ خویش، که نام «موروثی» انقلابی بر خود دارد مطالب جالبی مطرح ساخته است که طرح و بررسی مختصر آنها برای شناخت دقیقتر مواضع و نظریات گروهی که اکنون همه آنها را بنام «لیبرال» می‌شناسند، ضروری است.

میزان در این سرمقاله، که از سر تا پایان وصف پریشان‌حال و در ماندگی بورژوازی لیبرال ایران است، تا توانسته به حزب توده ایران تاخته و آنرا بی‌باید بربرواترین و نارواترین اقتراها و دشنامها گرفته است. ما به این دشنامها و افتراها - که تا زکی ندارد و مبتکر آنهم دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه ملعون بوده است - پاسخی نمی‌گوییم، چون ارزش پاسخ گفتن ندارد، بلکه میکوشیم آن درد اصلی و مقصود اصلی را که میزان میکوشد آنرا در پس پرده دود آبی کموتیسم و دشنام و افترا به حزب توده ایران ببوشاند، یار دیگر از زبان خود وی بیرون بکشیم و در مقابل همگان قرار دهیم.

میزان می‌نویسد:

«از نظر سیاسی، حیل‌های دشمن متأسفانه به مقدار زیادی موثر بوده و می‌رود که ما را در دام وحشتناکی اسیر ساخته و انقلاب را منهدم سازد. حیل‌های سیاسی دشمن با پایان جنگ ایران و عراق تعدید خواهد شد، زیرا همینکه رزمندگان اسلام اشغال‌الله بزودی صدام و نیروهای پست را عقب نشانند، احتمال حمله مجدد نظامی به ایران شدت گاهشی خواهد یافت و برای دشمنان انقلاب تنها راهی که باقی می‌ماند، حیل‌های سیاسی خواهد بود و بی - اهم از اینکه با حیل‌ها و توطئه - های مذکور، انقلاب را بیکباره براندازند، یعنی انقلاب اسلامی را به سر نوشت سال ۳۲ دچار سازند و یا آنکه با انجام توطئه‌های سیاسی دولتی را «پرووی کار آرنند که ظاهر و نام جمهوری اسلامی را حفظ کند، ولی انقلاب را از محوی خالی (نماید) ... چنین برنامه‌ای چندین بار در بعضی کشورها از جمله مصر و عراق تکرار شده و سپردن سر نوشت انقلاب بلمست ضد انقلابیون پراشان آسان گردیده است!»

چنانکه ملاحظه میشود، میزان انقلاب را در «دام وحشتناکی» اسیر و در شرف «منهدم» شدن می‌بیند، که بر اثر حیل‌های «دشمن» تدارک می‌شود. میزان همچنین متقاعد است که پیروزی ایران بر عراق و پایان جنگ «حیل‌های سیاسی دشمن» را «تشدید» خواهد کرد و بالتبیب، «انهدام انقلاب» را تسریع خواهد نمود و سر نوشت انقلاب بلمست ضد انقلابیون خواهد افتاد و ایران، مصر سادات و عراق صدام خواهد شد!

بقیه در صفحه ۲

## مائوئیسم در خدمت امپریالیسم آمریکا

(پاسخ به مقاله «القاء ایدئولوژی، در روزنامه انقلاب اسلامی»)

بمناسبت ۳۵مین سالگرد تأسیس فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان

## پیروزی فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان! درود بر زنان و دختران رزمنده ایران!

مجمع بزرگ بین‌المللی یا تشکیل کنگره‌ها، کنفرانس‌ها و سمینارهایی در پهنه پنج قاره جهان، توانسته است، هم‌زمان یکانه سازمان راستین مذاقح حقوق زنان خود را بشناساند و هم کنگه‌های شایان تحسین و ارزندمای به مبارزات زنان زحمتکش و محروم برسانند.

فدراسیون دموکراتیک «بین - المللی زنان»، که در سال ۱۹۴۷، ۱۱۲ سازمان از ۹۷ کشور عضو داشت، اکنون از همه کشورهای جهان، باستثنای یکی دو کشور یکه‌ور یا چند سازمان زنان را

در اسانامه فدراسیون دموکراتیک «بین‌المللی زنان» تأکید شده است که این سازمان «اتحادی است از زنان، صرف نظر از نژاد، ملیت و معتقدات سیاسی و مذهبی، بمتظور مبارزه مشترک در راه دفاع و تحصیل حقوق اعضای خود - مادران و زنان زحمتکش - مراقبت در حیات کودکان، تأمین صلح، دموکراسی و استقلال خلفها».

فدراسیون دموکراتیک «بین - المللی زنان» طی حیات سی و پنجساله خود، در تشکیل، مبارزه و پیروزیهای زنان سراسر جهان سهم شایانی داشته است. این

سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) که جهان بر فراز ویرانیهای جنگ جهانی دوم، آغازتوسازی کرد، فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان، با گردمانی جمعی از زنان بامادراتی مترقی، که معاتب جنگ را پشت سر نهاده بودند، در پاریس بنیان نهاده شد، تا با متشکل ساختن سازمانهای زنان در سراسر گیتی، سهم موثر خود را در حفظ صلح، خلع سلاح عمومی و کامل و مبارزه برای حقوق برابر زنان، یاری برسانند به - زنان کشورهای زیر سلطه و بیکار برای استقلال ملی و آزادی ادا کنند.

انقلاب بزرگ ضد امپریالیسم و مردمی و ضد استکباری ما، اگر مسئله زمین را بسوددهقان بر زمین و کم‌زمین حل نکند و بزرگ مالکی را از ریشه برکنند، بدون تردید منخ خواهد شد، به قهرا خواهد رفت، از اهداف اصلی خود دور خواهد افتاد و ماهیت خود را از دست خواهد داد و ما مطمئن هستیم که به نیروی عظیم توده‌های بیدار و آگاه مردم و خود دهقانان حق‌طلب، به هدایت و رهبری روشن بینانه و قاطع امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و به همت همه انقلابیون روشن بین و مبارز - از روحانیت مبارز و قهپاتی که مغرف اسلام راستین اند گرفته تا نیروهای سیاسی انقلابی و از جمله مسئولان منهدم و دورنگر و نهادهای انقلابی طرفدار حق و مردم - انقلاب ما خواهد توانست این مسئله را حل کند و بر مشکلاتی که اکنون بوجود آمده، غلبه کند و راه خود را بسوی تعقیق و پیشرفت باز کند.

پدنیال فشارهای فراوان بزرگ مالکان و روحانی نمایان همکاسه آنان و لیبرالهای مدافع آنها در واقع هم‌اکنون مشکلاتی بر سر راه حل این مسئله بوجود آمده است. مشکلات را آنها در مرحله اجرائی در مقابل هیئت‌های هفت نفری بوجود آورده و متأسفانه توانستند کاپ را بجائی بکشانند که اولاً امر و آگنداری زمین بقدری به تاخیر بیفتد که به کشت پاییزه یخورد و مانع فنی و اداری برایش پتراشند، و لاتیاً از شرایط حساس و استثنائی جنگ سوءاستفاده کنند و با ایجاد درگیریها و تشنج‌هایی در دهات، در حالیکه تحکیم جبهه و پشت جبهه ضرورت دارد، مانع سیاسی - اجتماعی برایش ایجاد کنند.

کارواگنداری زمین میبایست ماهها و ماهها قبل انجام میگرفت، تشد و اکنون در پانز و بیستام کشت جاری و در ماه سوم جنگ تحمیلی صدام آمریکایی علیه ایران، مانع بر خورده است، آشکارا میتوان دید که تشنجات بزرگ مالکان و بلندگویان و

بقیه در صفحه ۸

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



### بورژوازی لیبرال ...

بقیه از صفحه ۱

بالمنجبت! بیروزی ایران بزمامد، سر نوشت انقلاب را بدست «ضد انقلابیون» خواهد انداخت؛ نتیجه طبیعی که میزان مریاست از این اظهارات ششمن بگریزد، آنستکه شکست صدام، امر مطلوبی نیست و برای دفاع از «انقلاب» ایران باید از آن جلوگیری کرد!

اگر این سخنان به زبان فرسی و در سرمقاله روزنامه‌های مدعی دفاع از انقلاب، نیامده بود، ممکن بود تصور رود که این اظهارات از آن سادات است، که چند روز پیش از امکان شکست صدام در جنگ اظهار تکرانی کرده و آنرا بفریاد «ضد انقلابیون» دانسته بود! سادات همچنین از آمریکا تقاضا کرده بود که برای ضمانت از «افتادن ایران به کام شوروی»، در جنگ میان ایران و عراق مستقیماً دخالت کند و مانع شکست عراق گردد!

اگر میزان، برخلاف تمامی نیروهای انقلابی ایران و برخلاف خط امام، مدعیست که «بیروزی بر صدام، «خطر انهدام انقلاب ایران» را افزایش خواهد داد و «ضد انقلابیون» را بر سر نوشت انقلاب مسلط خواهد گردانید، بیشک باید انتظار داشت که میزان از «ششمن» نیز، برداشتی بکلی خلاف خط امام و نیروهای انقلابی و استقلال طلب ایرانی داشته باشد.

میزان در واقع امپریالیسم آمریکا، یعنی شیطان بزرگ و دشمن اصلی انقلاب ما را «دشمن» نمی‌شمارد. طبق سرمقاله میزان، امپریالیسم آمریکا نه فقط در کودتای ۲۸ مرداد دخالت نداشته، بلکه اکنون نیز در توطئه‌های عظیم براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران، کوچکترین نقشی ندارد. «ششمن»، «روسیه» و «توده‌های» هستند! میزان بدون آنکه يك كلمه از نقش امپریالیسم آمریکا در توطئه علیه حکومت ملی دکتر مصدق سخن بگوید، «توده‌های» را عامل شکست مصدق می‌نامد.

میزان با تحریف آشکار تاریخ، حتی جاسوسان آشکار آمریکایی را نیز تیره می‌کند و «حزب توده» را در خیانت‌های آنها به مصدق «مصر» می‌نامد!

«حزب توده... همچنین از ضعف بعضی چون مکی و بقاتی استفاده نمود تا آنرا بطمع نخست وزیر روی مصلح وادارند!»

میزان سپس به دوران کنونی باز میگردد و بازم بدون آنکه حتی يك كلمه از امپریالیسم آمریکا سخن بگوید و توطئه‌های بی دریغ و خطرناک آنرا برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی ایران، بیان کند، «روسیه» و «حزب توده» را «دشمن» می‌نامد.

میزان علاوه بر این، مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز را نیز مورد حمله و افترا و شتم قرار میدهد که گویا هر چه «دشمنین متعدد روس»

میگویند، اینان (مسلمانان) نیز طوطی‌واره تکرار میکنند!

بدینسان در قاموس میزان همه مفاهیم قلب میشوند و به ضد خود بدل میگرددند: دشمن واقعی، «دوست» و اعتماد میشود و دوست و یشتیان، «دشمن» توطئه گر! اعلام می‌گردد، منافع و ترکانه بورژوازی لیبرال، «انقلاب» نامیده میشود و روحانیت مبارز و توده‌های انقلابی مسلمان که میکوشند شر این قشر طغیانی را از سر مردم کوتاه کنند، ولی فرمان امام خمینی شکستن سکوت خود را به بیروزی بر صدام محول کرده‌اند، «ضد انقلابیون» اخلاق می‌گردند. همچنین دلیل هم بورژوازی لیبرال تا به این حد از بیروزی بر صدام واهمه دارد و اعلام می‌کند که در آن صورت «توطئه‌ها تشدید خواهند شد» و «انقلاب»، «مهدم» خواهد گردید!

تجربه تمام انقلابی‌های رهائی بخش نشان داده است که همراه با تعمیق انقلاب و نزدیکی «انهدام» مواضع سیاسی و اقتصادی بورژوازی لیبرال، این بورژوازی بیش از پیش بر تبلیغات ضد کمونیستی خود خواهد افزود، در همه جا کاپوس «کمونیسم» خواهد دید، تمام مبین‌دوستان آزادخواهان و انقلابیون را «کمونیست» خواهد خواند و کمونیستها را «ضد انقلابی» خواهد نامید. تمام کشورهای مسلمان و انقلابی چون لیبی و سوریه و الجزایر، که با تمام قوا در مقابل شیطان بزرگ آمریکا ایستاده‌اند و سنگ بر سنگ منافع بورژوازی لیبرال باقی نگذاشته‌اند، همگی زمانی از جنب

این بورژوازی و همچنین امپریالیسم، حاصل کمونیستها، خوانده شده بودند و اکنون نیز رهبران مسلمان این کشورها از جنب طرفداران سازش با امپریالیسم آمریکا یا این برجسب نجسب، مواجه هستند، اما تجربه همان انقلابی‌های بیروزمند و از جمله انقلاب ما همچنین نشان داده است که بورژوازی لیبرال از این تیکرد تبلیغاتی خویش طرفی نبسته است.

اکنون دیگر همگان به نیت و مقصد و اغراض واقعی این بورژوازی سازشکار و تسلیم طلب برآمده‌اند و در مقابل شکوه‌ها و گلابه‌ها و هتاهای او درباره «خطی کمونیسم» از او بی‌پرسند:

**آقایان! نظر شما راجع به امپریالیسم آمریکا چیست؟ آیا آنرا دشمن میدانید یا خیر؟**

**نظر شما راجع به فودالها و سرمایه‌داریان وابسته و غارتگر بلژار چیست؟ آیا مناصره اموال آنها را بسود زحمتکشان جایز میدانید یا خیر؟**

**و بالاخره نظر شما راجع به ضد انقلابیون و وابستگان به امپریالیسم آمریکا چیست؟ آیا آنها را مهورالد می‌دانید یا خیر؟**

و بورژوازی لیبرال و نمایندگانش در قبال این سئوالات، پاسخی جز گریز از بیان نیت واقعی خویش ندارند، گویانکه تلویحا به تمام سئوالات فوق پاسخ منفی داده‌اند.

آری آقایان! «دوربانه انقلاب» در واقع خود شما هستید.

### سیاست خارجی ...

بقیه از صفحه ۱

در کنار دشمنان استثمار و امپریالیسم، در کنار نیروهای خادم استقلال و آزادی قرار گیرد. باین مناسبت بر مردم ایران است که بار دیگر بمقام تاریخی انقلاب بزرگ ایران و جمهوری اسلامی ایران بی - بیزند و برای دفاع از یک چنین انقلاب و نظامی، که کشور ما را در مسیر استقلال و آزادی و سرملندی قرار داده است، با تمام هوشیاری و آگاهی و فدا کاری زیر رهبری امام خمینی، رهبر و پیشانی جمهوری اسلامی ایران، و از این راه روشن و سعادت آفرین با جان و دل دفاع کنند و آنانکه میگویند «این انقلاب هیچ چیز به ایران نداده و باین دلیل» به حکومت آخوندها حمله می‌کنند، بکنار چشم باز کنند و اگر یارای بدیدن حقیقت را دارند، این تحول کیفی در سیاست خارجی مبین خود را مشاهده کنند.

سیاست خارجی کشور ما پس از انقلاب، بی دردی وارد چنین مرحله روشن و درستی شد دولت «گام به گام» لیبرالها، گرچه تحت فشار مردم و نیروهای انقلابی و رهبر انقلاب، توانست بند و زنجیرهای اسارت امپریالیستی را باهان کم و کیف سابق حفظ کند و الزام مجبور با اقدامات معینی شده ولی با تمام نیرو و توانایی خود مانع از آن شد که ایران انقلابی دوستان واقعی خود را در صحنه جهانی بدرستی تشخیص دهد و در کنار دوستان خود قرار بگیرد. این عمل لیبرالها، یعنی منامت از نزدیکی ایران انقلابی به دوستان واقعی، در واقع بمنظور ایجاد زمینه و دستاویز و بهانه و دلیل برای بازگشت به اسارت امپریالیسم و همالکی شدن با نوکران منطقه‌ای امپریالیسم بود. لیبرالها که میدانستند مردم ایران، که با آن انقلاب طوفانی خود، امپریالیسم آمریکا و نوکرش را از ایران رانده‌اند، بازگشت به اسارت امپریالیسم را نخواهند پذیرفت و خود نیز از سوی دیگر راه میان ایران انقلابی و دوستان

واقعی ایران انقلابی را مد میگردند، و بیخالی خود ایران انقلابی را در راهی میدیدند که هر دو طرفش بسته است و مفری ندارد. لیبرالها پس از آن سد سازی و مقدمه‌چینی، سالوسانه و حيله گراانه فریاد برآوردند که: «ایوای، متزوی شدیم»

سیاست خارجی ما تا این چندی پیش، در دست کسانی قرار داشت که امروز افکار و اعمال و حرکاتشان دیگر بر همگان روشن است. این افراد برای گمراه ساختن جمهوری اسلامی ایران در صحنه جهانی و برای نشان دادن دوستان انقلاب به جای دشمنان و دشمنان انقلاب به جای دوستان، چه خرابکاری‌ها و تحریفها که نکردند و چه نقل وارونه‌ها که نزد وجه جعلیات و دروغها و اتهامات که ساختند:

بهبانه «جستجوی» امام موسی صدر (که باید جستجو کرد و واقیبت را روشن ساخت) لیبی را مورد تاخت و تاز قرار دادند. سوریه و الجزایر را بمنوان «وابسته به ابر قدرت شرق» طرد نمودند. سازمان آزادیبخش فلسطین را زیر علامت سئوال گذاشتند. رژیم صیالاحق را «غیر وابسته» برسمیت شناختند. روزی «آمدن» ه هزار تاجیک شوروی، بایران و روز دیگر قسود «ماهواره» جاسوسی شوروی به آسمان پرشت را «کشف» کردند. افسانه «تبریز- مکزیکو»، «ارسال اسلحه شوروی به عراق»، «تفرکز نیروهای شوروی در مرز، گسودن مرز- های شوروی برای «قرار ضد

انقلابیهای کردستان، داستان خلیج عقبه و اینکه شورویها (وقتی این تکررته این بار آلمان دمکراتیک!) برای صدام جانی علیه ایران اسلحه میفرستد و دهها و صدها فاکت دیگر، که همه مردم آگاه ایران از آنها خیر دارند - سنگبانی بود که بدست صال امپریالیسم ضد انقلاب و لیبرالها (و به تحریک آنها، بدست محافل ناآگاه) بر سر راه سیاست خارجی ایران انداخته شد. ولی همه کسانی که با چشم باز و خرد انسانی به جهان و تاریخ بشری می‌نگریستند، به

خوبی میدانستند که چنین نیست و این محال است که يك انقلاب بزرگ مانند انقلاب ایران در جهان تنها بماند.

امام خمینی این واقیبت را چنین بیان کردند:

«مع الاسف گمان می‌کنند بعضیا که ما متزوی شدیم به واسطه مخالفت با آمریکا. خیر آمریکا متزوی شد... ما متزوی نیستیم»

و تابه مردم نوشت:

«این واقیبتی است که کشور انقلابی از بدتره‌ها ته‌تاهمتزوی نشد و متزوی نیست، بلکه با خیزش انقلابی خود از دوران بردگی، اسارت، حقارت و سرخوردگی، یعنی از زوای تاریخی واقعی، به دوران آزادی و استقلال و سر بلندی گام نهاده و در صف کشورهای و خلقهای مستقل و آزاده، قرار گرفته است... و اگر مزاحمت کسانی که جز ذیای شیطان زنده بوجود ذیای دیگری قائل نیستند، رفع شود و اگر کشور ما از زیر بار سنگین آثار تبلیغاتی سیاه امپریالیسم خلاص شود، جمهوری مستقل و آزاد اسلامی ایران خواهد توانست دست برداری و همبستگی را، که از سوی پیشانیان انقلاب ایران بسوی کشور ما دراز است، بگیرد و حرارت قلوب آزادگان جهان را با تمام وجودش احساس کند» (نامه مردم - ۱۸ آبان ۱۳۵۹)

و زندگی، قدرت انقلاب را به روشنی آفتاب آتبات کرد. رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مصاحبه خود از جمله گفت:

«تولهایی که من دیدم، رهبران کشورهای الجزایر، سوریه، به انقلاب اسلامی ایران، به عنوان يك جریان نجات بخش منطقه از کابوسی که فکر می‌کردند به این زودی نجات پیدا نمی‌کنند نگاه می‌کنند. آنها می‌گفتند که چیزی غیر از این انقلاب نمی‌توانست پایگاه امپریالیسم و پشت اسرائیل را بشکند و آمریکا را در منطقه متزلزل کند و فکر میکردند که هرگونه حمایتی برای دوام این انقلاب باید بشود و آمادگی داشتند که با ما هرگونه همکاری تاکتیکی و استراتژیکی داشته باشند...»

### پیروزی فدراسیون ...

بقیه از صفحه ۱

در خود مشکل ساخته است. فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان با تشکیل کنگره های خود، که با شرکت اعضاء و حضور دیگر سازمان های بین المللی و ملی زنان، که عضو فدراسیون نیستند، تشکیل میشود. توانسته است، مسائل حاد مربوط به کار و زندگی زنان و مسائل مربوط به استقلال ملی و آزادی، را، در سطح جهانی مورد مذاقه قرار دهد و بارسیدن به نتیجه گیریهای درخشان و صدور رهنمودهای مفید، زنان سراسر جهان را به مبارزه در راه حل این معضلات فراخواند و وسیع کند.

کنگره های فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در شهرهای پاریس (سال ۱۹۴۵)، بوداپست (سال ۱۹۴۸)، کینشاک (سال ۱۹۵۳)، وین (سال ۱۹۵۸)، مسکو (سال ۱۹۶۳)، هلنسکی (سال ۱۹۶۹) و برلن (سال ۱۹۷۵) تشکیل شده است. علاوه بر این کنگره های پر بار، که هر يك از آنان گام بلندی در پیشبرد مبارزه زنان بخاطر تامین صلح و حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان بوده است، فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان با تشکیل دیدارهای بین المللی به اتفاق دیگر سازمانهای جهانی زنان، در امر تعمیق و گسترش مبارزات زنان سراسر

یعن جنوبی هم در این قصد با ما همکاری میکنند... شوروی به فرستاده عراق که به آنجا رفته و اسلحه میخواسته گفته: ما این جنگ شما را بفتح امپریالیسم میدانیم و جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد امپریالیستی است و ما نمی‌توانیم به جنگی که علیه این جریان کار می‌کنند، کمک کنیم... اینرا رهبران کشورهای لیبی و سوریه بما گفتند که شوروی به آنها اطلاع داده که این جواب را به فرستاده مخصوص صدام بدهند... رئیس مجلس، در مساجبه خود بر این واقیبات بسیار مهم تاکید کرد که:

«رو بفرشته این نظر هست که اصلا آمریکا دارد در ایران می‌جنگد و اسلحه را باین شمالی و فرانسه به عراق میفرستد و بترتبه را هم اردن با پول عراق و طبق نقشه آمریکا تومنه دانه و هم اکنون مشغول پذیرفتن کشتیهای آنهاست و خرج جنگ عراق را هم کشورهای ارتجاعی انتخابی منطقه تقبل کرده‌اند که دوست آمریکا هستند»

مشولان و طراحان سابق سیاست خارجی ما همه این واقیبت‌ها را درست صد و هشتاد درجه تحریف و قلب نموده و سفید را سیاه و سیاه را سفید بمرم ایران معرفی کرده بودند. در نظر جهان خارج هم کشور ما را چنین معرفی کرده بودند که، بقول رئیس مجلس، گویا «ما يك پوسته ای برای خودمان ساخته ایم و نمی‌خواهیم از آن دوریابیم»

بوسع دستگام سیاست خارجی سابق ما نگاه کنید که در کشور دوستان مسلمان ما اصولا سفارتخانه‌ای برقرار نکرده‌اند. بقول رئیس مجلس: «در الجزایر يك کاردار داریم و در لیبی يك کاردار داریم که یک دو هفته است شروع بکار کرده و در سوریه سفارت داریم، اما بی پر و بال و ...»

آنانکه میگویند که گویا تمام گرفتاریهای ما از گروگان گیری است، و از جمله بدلیل «گروگانگیری» صدام جرئت حمله به کشور ما را کرده، باید پس از روشن شدن این همه واقیبات بخود آیند و بدانند که

جهان و هماهنگ ساختن آن، قس بر خسته ای ایفا کرده است. در این زمینه میتوان از جمله: از دیدار جهانی زنان بمناسبت پنجاهمین سال برگزاری روز بین المللی زنان (هشتم مارس) (کینشاک - سال ۱۹۶۰)، دیدار زنان کشورهای اروپا برای دفاع از صلح و خلع سلاح (زالسبورگ - سال ۱۹۶۰) و (وین - سال ۱۹۶۲)، کنفرانس بین المللی دفاع از کودکان (وین - سال ۱۹۵۲)، کنگره بررسی مسائل کودکان (استکهلم سال ۱۹۶۶) دیدار مشورتی سازمانهای زنان اروپا مربوط به امنیت و همکاری اروپا (سوئد - سال ۱۹۷۰) برگزاری صمدین سالروز تولد لنین (سال ۱۹۷۰) و یک سلسله سینه‌های منطقه‌ای در کشور های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بمنظور بررسی وضع زنان و نقش آنان در جامعه، مبارزه برای محو بیسوادی، بهداشت مادر و کودک و غیره نام برد.

زمانی که امپریالیسم آمریکا تهاجم به کشور کرد و آغاز کرد فدراسیون دموکراتیک بین المللی (سال ۱۹۷۵) تشکیل شده است. علاوه بر این کنگره های پر بار، که هر يك از آنان گام بلندی در پیشبرد مبارزه زنان بخاطر تامین صلح و حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان بوده است، فدراسیون دموکراتیک بین المللی با تشکیل دیدارهای بین المللی به اتفاق دیگر سازمانهای جهانی زنان، در امر تعمیق و گسترش مبارزات زنان سراسر

تحریک و پشتیبانی آمریکا بر مبن آزاد ما حمله کرد، لکن پوزاش به سنگ خورد. ما از تابع مسافرت پر بار حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بنویه خود خرمندیم و آنرا تأیید می‌کنیم. این وظیفه دولت انقلاب است که راهی را که با این سفر آغاز شده با پیگیری ادامه دهد و اعتماد و دوستی و همکاری دولتها و نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی منطقه را بخاطر تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران در قبال توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع منطقه و یاری به جنبشهای رهائی بخش منطقه هر چه مستحکمتر سازد.



در این روزنامه... (Introductory text for the newspaper)

# مائوئیسم در خدمت امپریالیسم آمریکا

وجود دارد، نبرک و توهم خوانده می شود، آماجوازی در دست انقلابیون برای مبارزه با اختیارها و اویسی ها باقی می ماند؟ آیا اعدام انقلابی تصیری ها و هویدها - که بر اساس این منطق می توانستیم با آنها به وحدت و یگانگی برسیم و بعد روی یکدیگر را ببوسیم و گذشتها را به فراموشی بسپاریم - خط و گناه تلقی نمی شود؟ اصلا مبارزه با آمریکا، وقتی درهای شورومناکره باز و دورنمای "وحدت" به ما لبخند می زند، هیچ دلیلی دارد؟ نباید گول حزب توده ایران و دیگر کمونیست ها را خورد، از مجزه "تفاهم و مشورت" غافل نباشیم. امپریالیسم دروغ است، لیبرالیسم دروغ است، تقسیم طبقاتی جامعه دروغ است، اختلاف و تضاد طبقاتی دروغ است. اگر این دروغ ها را باور کنیم، به فتوای بوکد نویسنده مقاله، "مارکسیسم - لنینیسم را جایگزین اسلام می کنیم".

## پاسخ به مقاله «القاء ایدئولوژی» در روزنامه انقلاب اسلامی

انجام می گیرد. در این "شاهیت" نظریه نویسنده، که با حروف درشت در صدر مقاله برجسته شده است، مگنونات ایشان به وضوح به نمایش گذاشته شده است. ماحصل این منقچ چنین است: شیوه رایج در انقلاب "برجسب زنی، ریاکاری، مچ گیری و افتا گری است" و همه این شیوه ها زیر سر حزب توده ایران است، کفتازه سر نخ خود او در دست به قول نویسنده مقاله - کا.گ.ب است. نتیجه: انقلاب ایران توری عشت کا.گ.ب است و این کا.گ.ب است که رهبری و اداره واقعی انقلاب اسلامی ایران را بر عهده گرفته، نه امام خمینی و مسلمانان انقلابی بهر خط او!

از این دیدگاه است که نویسنده مقاله تصادفاً به همان مقصدی میرسد که ایدئولوگ های سرمایه امپریالیستی برای ابدی کردن "طافوت سرمایه" و نظام غارتگر آن با همه وسایل ممکن تبلیغ می کنند. پایداری انقلابی توده علیه نظام محمدرضای به درک واصل شده واعوان و اتعارجناب پیته او، علیه نظام غارتگر استبدادی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم، به این ترتیب دیگر محلی نمی یابد. قهر ناگزیر توده های پاره رهنه و محروم، یا به قول امام خمینی، مستضعفین علیه مستکبرین، علیه طاغوت ها، علیه برده داران مفاخر، علیه درخیمان، و زندانبانان خلق ها، علیه توجعها و آبادی امپریالیسم، غیر قابل پذیرش، و با به زعم نویسنده مقاله، غیر اسلامی است، زیرا که نویسنده مقاله فریاد می زند:

در صورتی که اذهان مردم دیکتاتوری را پذیرفت، قرقی نمی کند که این دیکتاتوری به نام مستضعفین باشد.

و این تلقین ظریف که: "حزب توده طرفدار شوروی است." هم مقاله "القاء ایدئولوژی" و هم تبلیغات صدای آمریکا، ظاهراً حزب توده ایران را آماج خود قرار داده اند. اما در واقع این قلب انقلاب اسلامی است که هدف تیرهای مسموم قرار گرفته است. اگر قرار باشد ایدئولوژی القایی و شیوه های تحمیلی خاصی از خارج به خورد انقلاب داده شده باشد، تا آنجا که وزیر ارشاد آن، یعنی یکی از مسئولان طراز اول ترویج ایدئولوژی انقلابی و اسلامی کشور، بعد عوی صریح نویسنده مقاله، "از اندیشه استالین تقدیمی نماید" و سازمان های مسلمانی همچون "مجاهدین انقلاب اسلامی"، باز هم به تصریح نویسنده مقاله، دیدگاهها و تحلیل های عینا منطبق با دیدگاه های حزب توده، فرمان بر "کا.گ.ب" است و در مقایسه تحلیل های این سازمان با تحلیل های طبقاتی حزب توده، فقط شکل واسم تغییر کرده است، آنکاه تنها نتیجه منطقی که عاید می شود، اینست:

## رونوش مقاله، القاء ایدئولوژی، مطابق اصل روزنامه رنجیر

سخن این بود که: وقتی مائوئیسم در عرصه جهانی در تفاهم و هماهنگی تنگتنگ با امپریالیسم حرکت می کند، آیا طبیعی نیست که در ساله انقلاب ایران، این همراهی و اشتراک هدف، به اشکال گوناگون به شیوه های مرئی و نامرئی، اعمال شود؟ در ارتباط با مقاله روزنامه انقلاب اسلامی - کفقط منتهی از خروار آن را شاکتیم - نشان دادن چندم خروس کک شایان خواهد کرد. در مقاله "القاء ایدئولوژی" چنین آمده است:

۱- انقلاب ایران، انقلابی هدفمند و خلقی و خود جوش نیست، جریان است مصنوعی و القاء شده.

۲- محتوای انقلاب از خارج صادر شده و به این ترتیب نهادهای برآمده از انقلاب، کمبازتاب ماهیت آنند، نظیر دانشجویان مسلمان بیروخط امام، سباقا سداران، آدگاه های انقلاب و غیره مصلحت نیستند، بازچماند.

۳- رهبری انقلاب، که در باره اصالت و رسالت انقلاب سخن ها گفت، ورهنمودها و بنظرت ها داده و از جهاد خونین و طولانی یک نسل انقلابی و خون ۷۵ هزار شهید، برکت طلبیده است، حقیقت را پویشانده و همچنان می پویشاند.

حزب توده با تشدید جو دشمنی موجود با آمریکا به بطور کاتب در نظر دارد طوری جامعه را در بحران های سیاسی - اقتصادی نگه دارد که مجبور شویم با پاره کردن رشته های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از آمریکا و به بطور کلی از غرب، با کشورهای سوسیالیستی رابطه بگیریم.

۴- دروغ و فریب خواندن واقعاتی مانند "خطر لیبرالیسم" و منحرف کردن مسیر مبارزه انقلابی از جهت ضرورت و مبرم آن.

حزب توده با تشدید جو دشمنی موجود با آمریکا به بطور کاتب در نظر دارد طوری جامعه را در بحران های سیاسی - اقتصادی نگه دارد که مجبور شویم با پاره کردن رشته های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از آمریکا و به بطور کلی از غرب، با کشورهای سوسیالیستی رابطه بگیریم.

نویسنده مقاله مکرر "القاء ایدئولوژی"، که به واقع درصدد "القاء" ایدئولوژی خاصی به انقلاب است، در حالی که خود به کرات در طول مقاله از سرمایه داری، طبقه کارگر، ایدئولوژی، دیکتاتوری بولتاریا، بورژوازی و نظایر آن، که گویا حقیقت طبقاتی اند، سخن می راند، تقسیم بندی جامعه را به طبقات دروغ می خواند و برای فرود آوردن ضربه نهائی خود به مقدمه چینی می پردازد:

روزنامه رنجیر چنین می نویسد:

۵- اختلافات دامن بزند. مبارزه با لیبرال ها همان تعمیق انقلاب و گستریدن افق های آنست.

حزب توده برای سودجویی از اختلاف میان جناح های حاکم - منهدمی - و سوا استفاده از آن ... تلاش می کند. (شماره ۲۹، صفحه ۷)

۶- دروغ و فریب خواندن واقعاتی مانند "خطر لیبرالیسم" و منحرف کردن مسیر مبارزه انقلابی از جهت ضرورت و مبرم آن. نویسنده مقاله مکرر "القاء ایدئولوژی"، که به واقع درصدد "القاء" ایدئولوژی خاصی به انقلاب است، در حالی که خود به کرات در طول مقاله از سرمایه داری، طبقه کارگر، ایدئولوژی، دیکتاتوری بولتاریا، بورژوازی و نظایر آن، که گویا حقیقت طبقاتی اند، سخن می راند، تقسیم بندی جامعه را به طبقات دروغ می خواند و برای فرود آوردن ضربه نهائی خود به مقدمه چینی می پردازد:

وقتی مائوئیسم در عرصه جهانی در تفاهم و هماهنگی تنگتنگ با امپریالیسم حرکت می کند، آیا طبیعی نیست که در ساله انقلاب ایران نیز این همراهی و اشتراک هدف به اشکال گوناگون و به طور مرئی و نامرئی اعمال شود؟

مائوئیسم در صحنه تاریخ معاصر نشان داده است که در پیشبرد مقصود، از هیچ شیوه و شگردی رویگردان نیست، به هر لباسی در می آید، دوروشی و تزویر را مثل سکه رایجی در بازار دیپلماسی جهانی با سخاوت بی نظیری خرج می کند، آنچه را که در گفتار مدعی آنست، با خونسردی بی پروائی در کردار لاسخی می کند، آرمان ایدئولوژی را تا حد ابراز و بازجیه بی اعتباری تنزل می دهد، و اگر لازم ببیند، حتی در پای شیطان قربانی می کند. این اخیای نویی و نیرومند ماکاویلیسم و تکامل آنست.

جلوه زنده این مکتب جهانی در میان تاگردان ایرانی آن همان ترفندی است کفتشاد در مقابله با انقلاب ایران به کار گرفتند. مائوئیسم در ایران ۳ جبهه گشوده است، که علیرغم ظاهر و پوشش متضاد آنها، جوهر یگانگی دارند و هر سه جبهه در خدمت یک هدف اند:

۱- مائوئیست های پرخاشجو، که به نام مارکسیسم انقلابی عمل می کنند. آنها با لیبب سوزان ترین شعارها، از موضع ماورا جیب، به نفی و تخریب انقلاب می پردازند، هر جا آتشی علیه انقلاب زبانه می کشند، آن ها هیوم آتند. گروهک های رنگارنگی چون کومله، پیگار، وحدت انقلابی و حزب دوطبقه یکدوجین مشابه آنها، برپادارندگان این جبهه اند.

۲- مائوئیست های به ظاهر موافق با انقلاب. آنها در دوستی وارد شده اند، تا زهر خویش را در کپول های خوش رنگ و شیرین در کام آن بریزند. گمراه کردن انقلاب و نیروهای اصل آن، مفتوش کردن مزدوستان و دشمنان در عرصه داخلی و جهانی، دامن زدن به سوءظن و القاء خصومت تصنعی بین نیروهای واقعی هوادار انقلاب، اصلی ترین وظیفه این گروهک های ملباس پوش درآمده است. آنها برای لیبرال ها راه باز می کنند و برای آنها پله پله و هورا سر می دهند، زیر لیبرال ها در نهایت آب به همان آسیاب می بریزند، که گندم آنها را هم آرد می کند. این مائوئیست های به اصطلاح منافق، همراه لیبرال ها، دو پال هستند که امپریالیسم برای جهش و اوج گیری به نهایت منگی است. حزب رنجیر و ادار و دست های که دور روزنامه عدالت جمع شده اند، در این جبهه فعالیت می کنند.

۳- مائوئیست های مسلمان نما. اینان مودی ترین دشمنان انقلابند. از درون ضربه می زنند و به بهانه دفاع از اسلام و اسلامیت، انقلاب اسلامی را به همراه می کشند. مائوئیست های تازه مسلمان شده، که بسیاری از آنها تفهه های از فرنگ برگشته هستند و اغلب سابق مشمش می در سازمان های مائوئیستی خارج از کشور دارند، اصول و آموزش های مائوئیستی را، نظیر نظریه معروف "سه جبهان"، "سازش ابرقدرت ها"، "زدن برجسب" "سوسال امپریالیسم" به شوروی، با عناوین و اصطلاحات مذهبی رواج می دهند. در صحنه جهانی انقلاب ایران را از طبیعی ترین دوستان و متحدانش، مانند لیبی و الجزایر و سوریه و انقلاب فلسطین و کشورهای ضدامپریالیست رنجیر می دارند و در راه نزدیکی و پیوند آنها سنگ می اندازند، تا انقلاب را به انزوا بکشند و تضعیف کنند، و در عرصه ملی، سوسیالیسم علمی و انقلابی را، که طرفدار صدیق انقلاب و خایق به رشد و تعمیق آنست، به مثابه بلوروی خطرناکی به رخ مسلمانان انقلابی می کشند و حمایت آن ها را از نهادهای اهداف مترقی انقلاب، ظاهری، تاکتیکی و از سر فرصت طلبی وانمود می کنند. همین ها هستند که از تصحیح منقح اکثریت عظیم چریک های فدائی خلق و بخشی از رهبری و پیگر حزب دموکرات کردستان ایران به میمود انقلاب، چنان عصبی شدند که متان از دست دادند و در بلندگوها و مطبوعاتی کمستقیم و غیر مستقیم در تبول آنهاست، به عرید میوشی و لجن پاشی و تحطئه و تخریب پرسوز و خشمی دست زدند. مائوئیست های یاد شده، علیرغم حجم ناچیز خود در مقیاس جامعه بی آنکه کمترین سابقه و نقشی در بحران انقلاب و مبارزات موثر پیش از آن داشته باشند، توانستند، اهرم ها و مواضع مهمی را در ارگان های سیاسی و دولتی و وسایل ارتباط جمعی اختال کنند و با استفاده از این امکانات غصب شده، صد ها هزاران بار بیشتر از وزن مخصوص خود، بر ذهن ها و روندها اثر بگذارند. یکی از دلایل بهره مندی از این امکانات ناخق، همخوانی اندیشه و رویه این مسلمانان مصلحتی با برتویی از ارباب قدرت و رهبران اجتماعی است که، به شدادوری ها و ذهنیت سیاسی آنها، طی سالان مدید و از همه سوزیز تاثیر و تلقین امپریالیسم و مائوئیست های بدست آنها و با دعاوی برهیاوری تئوری برداران ظاهر الصلاح، بورژوازی بودعاست.

مائوئیست های گروه اول و دوم تا حد زیادی در جامعه افتا و منزوی شده اند. دندان های آنها دیگر برتن انقلاب کارگر نیست. اما مائوئیست های تازه مسلمان شده، هنوز به شدت فعالند، و فعال بودن آن ها نقطه ضعف انقلابی است که، از خاستگاه ضد امپریالیستی خود، عملا با مائوئیسم، به تاه متحد جهانی امپریالیسم، در ستیز قرار می گیرد. افتا و طرد این عناصر، ضرورت حادث انقلاب است، باید نقاب از چهره اینان دریده شود، تاکتاب سرخ مائو، که با جلد قرآن پوشیده شده، از دستهای دسیسه گرشان به زمین بیفتد.

## تخته انقلاب به پیهانه مبارزه با حزب توده ایران

مقاله فصل "القاء ایدئولوژی"، که روز دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۵۹، در روزنامه انقلاب اسلامی به چاپ رسید و در چهارشنبه ۲۱ آبان ماه ۵۹، بر خلاف عرف رایج روزنامه نگاری، در یک صفحه کامل دو باره تجدید چاپ شد، نمونه درخشان سیاست، شگرد و روش مائوئیست های تازه مسلمان شده است. نویسنده مقاله، در زیرلای حمله سراها جعل و اتهام به حزب توده ایران، در واقع با یک دست خاک در چشم انقلاب پاشیده و آن را از مسیر طبیعی و واقعی رشد خود به سوی برهه ها و بیخوله های ناگیا آباد افرا کرده است، و با دست دیگر دشنه زهر آلودش را به جانب مسلمانان مبارز پیرو خط امام و همه دموکرات های انقلابی و نهادهای و پشتوانه های انقلاب پرتاب کرده است. مقاله دور و دراز "القاء ایدئولوژی"، همانطور که از نامش پیدا است، سعی دارد وانمود کند که انقلاب شکوهمند خلقی و اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی، در مسیری گمراه آغاز تاکنون داشته، تحت "القاء ایدئولوژی" توده های بوده است. او تاکید می کند:

"شورجسب زنی، ریاکاری، دروغ و شیوه مچ گیری و افتا گری همش القاء شده توسط حزب توده ایران است که با کک سازمان جاسوسی کا.گ.ب



### کارگران کارخانه‌های سنگبری:

## ما کارگران و زحمتکشان تا آخرین قطره خونمان در راه انقلاب مبارزه می‌کنیم مادر حقیقت با آمریکا در جنگیم



از تقاطع خیابان فدائیان اسلام و بزرگراه بعثت که به سمت جنوب برویم، در کوچه‌های اطراف، جابجا به ده‌ها کارخانه "سنگبری" بر می‌خوریم که تعداد زیادی از زحمتکشان میهن‌مان در آنها به کار مشغول هستند. وارد کارخانه‌ها که می‌شویم، اولین چیزی که نظرمان را جلب می‌کند، سروصدای سرسام‌آوردستگاه‌ها و فضای خاک‌آلود کارخانه‌هاست که تنفس را برای انسان مشکل می‌سازد، و جابجا کارگرانی را مشاهده می‌کنیم که سر و صورتشان بر اثر گردوغبار سنگها سفید گشته و با آنکه چکمه به پا دارند و روپوشی لاستیکی جلوی بدنشان را پوشانیده است، نمی‌توانند از خیس شدن لباس و بدن خویش جلوگیری کنند. کارگران کارخانه‌های "سنگبری" به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول کارگرانی هستند که پای دستگاه‌های مختلف از قبیل "فرز"، "فرز دروازه‌ای" و "سنگ ساب" کار می‌کنند. این کارگران در تمام مدت کار خویش در محیطی مرطوب بسر می‌برند. زیرا که دائماً از طریق شلنگ آبی که در بالای هر یک از دستگاه‌ها تعبیه شده است، آب بر روی دستگاه‌ها می‌ریزد، تا از "داغ" شدن آنها جلوگیری و آنها را "خنک" کند. در نتیجه آب سرد و صورت و بدن کارگران را خیس کرده و به زیر پای آنها می‌ریزد و گاه تا میخ پای کارگران در آب قرار دارد. در نتیجه کارگران در معرض انواع بیماری‌های ناشی از جذب ناساعت کار در محیط مرطوب قرار دارند. دسته دوم کارگرانی هستند که قطعه سنگها را به پای دستگاه‌های مختلف حمل می‌کنند و آنها را در دسترس کارگران دیگر قرار می‌دهند. این کار نیز با توجه به سنگینی وزن سنگها، فوق‌العاده سخت و دشوار است و گاه سقوط آنها به کارگران صدمه میرساند. در هر کارخانه، ۷ تا ۱۵ کارگر از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر به کار مشغول هستند. دستمزدها نیز به تفاوت، از ۵۰ تا ۱۵۰ تومان در روز است. که این تفاوت دستمزدها، گذشته از سابقه و مهارت کارگران در کار خویش، بستگی به انصاف صاحبان کارخانه‌ها نیز دارد و ماضی تهبه این گزارش مشاهده کردیم که ۲ کارگر، در دو کارخانه متفاوت، در حالیکه کار یکسان "فرزکاری" را انجام می‌دادند، دستمزدهای متفاوتی دریافت می‌کردند: یکی روزی ۹۸ تومان و دیگری روزی ۵۰ تومان.

در کارخانه‌های "سنگبری" از کار کارگران خارجی نیز استفاده می‌شود: در هر یک از کارخانه‌ها، به تفاوت، از ۱ تا ۴ کارگر خارجی، اعم از "افغانی" و "بنگلادشی" و "پاکستانی" به کار مشغول هستند. این کارگران نیز در سخت‌ترین شرایط بسر می‌برند و کارفرماها، اغلب، از موقعیت آنها سوء استفاده کرده و سخت‌ترین کارها را در ازای دستمزدی ناچیز، به آنان واگذار می‌کنند. در این کارخانه‌ها، قطعه سنگهای بزرگی که گاه وزن آنها به چند تن می‌رسد، ابتدا بوسیله "اره‌های مکانیکی" مخصوص به قطعات کوچکتر تبدیل می‌شوند و پس از آنکه "نوزن" آنها را به قطعات کوچکتری تقسیم کرد، "صیقل‌کار" نیز سنگها را صاف و شفاف می‌کند. و بعد از آنکه چند کارگر کارهای پایانی را انجام دادند، سنگها آماده عرضه شدن به بازار هستند.

با چند تن از کارگران "سنگبری" ها، صحبت کرده‌ایم که می‌خواهیم:

ابتدا، در یکی از کارخانه‌ها، با کارگری به نام "حسن" به گفتگو می‌نشینیم: حدود ۳۰ سال دارد. و کارمندی است. او در باره کارش می‌گوید: "من یکسال و ۵ ماه است که در این کارخانه هستم و کار من اینجا، صیقل دادن سنگهاست. این کار خیلی سخت است. و همان‌گونه که می‌بینید مادامتا توی آب هستیم. این راحتاً بنویسید، بنویسید که ما از صبح تا غروب توی آب هستیم."

آهی می‌کشد و ادامه می‌دهد: "والله مجبورم. اگر مجبور نبودم، صبح تا غروب، اینجا به این کار سخت تن نمی‌دادم." می‌پرسیم: چقدر حقوق می‌گیرید؟ می‌گوید: "من روزی ۷۰ تومان دستمزد می‌گیرم. که از این مقدار، ماهی ۵۰۰ تومان هم اجاره‌خانه می‌دهم. من تازه زن گرفته‌ام و با این گرانی سرسام آور، روزی ۷۰ تومان کفاف مخارج زندگی ام را نمی‌دهد."

می‌پرسیم: بیمه هستی؟ می‌گوید: "نه. از وقتی که من اینجا هستم حتی یک نفر هم از طرف بیمه و یا وزارت کار تمایز اینجا سر می‌زند. نمی‌آیند اینجا ببینند که ما چه می‌کشیم. وی درباره خواست‌هایش می‌گوید: "تنها خواست من این است که انقلاب به پیروزی کامل برسد. چونکه می‌دانم این انقلاب، مال ما زحمتکشان است."

عبدالحسین احمدی ۲۲ سال دارد و اهل مشهد است. درباره کارش می‌گوید: "من فرزکار هستم و جمعا ۴ سال در کارخانه‌های سنگبری کار کرده‌ام. این کار خیلی دشوار است و در مقابل ۸ ساعت کار طاقت فرما، آنهم در یک محیط مرطوب و پسروردا، فقط ۵۰ تومان به من می‌دهند. این حقوق خیلی کم است ولی مجبورم. من باید خرج پدر و مادرم را هم که در مشهد زندگی می‌کنند بدهم. وی با قهقهه فریاد می‌کشد: "زحمتش را ما می‌کشیم ولی کارفرماها پولدار می‌شوند."

می‌پرسیم طبق قانون کاری که شورای انقلاب تصویب کرده است، حداقل حقوقی که برای کارگران تعیین شده روزانه ۶۸ تومان است. چوایه توه ۵۰ تومان می‌دهند؟ می‌گوید: "خب می‌دانید، الان وضع مملکت خیلی حساس است و دولت هنوز به کار این کارفرماها نظارت نمی‌کند، آنها هم هر قدر دلشان بخواهد به ما دستمزد می‌دهند."

در همین هنگام یکی از کارگران خارجی (افغانی) در حالیکه قطعه سنگ بزرگی را حمل می‌کند، از کنارمان می‌گذرد. عبدالحسین درباره آنها می‌گوید: "کارفرماها معمولاً سخت‌ترین کارها را به کارگران خارجی واگذار می‌کنند، و به آنها حقوق ناچیز می‌دهند. چونکه می‌دانند که کارگران خارجی هم مثل ما مجبورند."

از او می‌پرسیم: از انقلاب راضی هستی؟ می‌گوید: "من با اینکه بعد از انقلاب، وضع زندگی‌ام بهتر نشده، از انقلاب راضی هستم. آخر چطور ممکن است از انقلابی

کارگران می‌کنند. از شمس‌الله درباره "بازنشستگی" می‌پرسیم. می‌گوید: "کارگران سنگبری‌ها اگر ۳۰ سال سابقه کار داشته باشند بازنشسته می‌شوند. ولی کارآنها سنگین و سخت است که کارگران پس از ۱۵-۱۰ سال علیل و زکارت داده می‌شوند. من در تمام مدت این ۵-۴ سال که در این کار هستم هنوز حتی یک نفر را هم ندیده‌ام که نتوانسته باشد ۳۰ سال کار کند و از حقوق بازنشستگی بهره‌مند نشود."

شمس‌الله هم با وجود مشکلات کار و زندگی کنونی خود شرایط حساس کشور و انقلاب را بخوبی درک می‌کند و می‌گوید: "من از انقلاب راضی هستم" و تنها خواهشش را از وزارت کار این چنین بیان می‌کند: "تنها تقاضای من از دولت اینست که چند نفر را به این کارخانه‌های سنگبری بفرستد، تا آنها ببینند که ما توی این کارخانه‌ها از صبح تا شب، چه مشقتی می‌کشیم و یک قدری به وضع ما رسیدگی کنند. ما هنوز هم پس از ۲۰ ماه که از انقلاب می‌گذرد، تحت انتظار شدید کارفرماهای پولدار هستیم. ما نه ممکن مناسب داریم، نه آسایش درست و حسابی. این مسئولان بیمه و وزارت کار هم نمی‌پندهند این کارخانه‌ها یک سری بزنند و لااقل قانونی وضع کنند که این کارفرماها اینقدر ما را انتظار نکشند."

میهن انقلابی ما روزهای سبز است - ما زی را می‌گذرانیم. آمریکای خونخوار که مرتباً توطئه برای انانداژ جنگ و دندان نشان می‌دهد و رژیم بعثی صدام را به جنگ با انقلاب ما فرستاده است. در چنین شرایطی طبقه کارگر ایران ثابت کرده است که مانند همیشه با با زوان قدرتمند خویش مددکار اصلی انقلاب در مقابل هجوم فداکاران و دفاع جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های آمریکا و پایگاه‌های داخلی آن است. بر مقامات مسئول است که از کارگران و سلامتی آنان و زندگی شایسته آنان همچون مردمک چشم محافظت کرده و پیش‌بینی‌های لازم برای حفظ تندرستی کارگران، در محیط کار آنها منجمله به هنگام حمله دشمن به عمل آید.

کارگران زحمتکش سنگبری‌ها، تمام سختی‌ها و کمبودها را بجان می‌خورند و حفظ موجودیت جمهوری اسلامی ایران و تکامل انقلاب را وظیفه عمده خود دانسته و آمادگی خویش را برای دفاع از انقلاب در برابر آمریکای جنایتکار و صدام حسین تجا و زکرم اعلام می‌کنند: عبدالحسین احمدی می‌گوید: "من با اینکه تازه از سربازی برگشتم ولی همیشه حاضرم که به جنگ صدام آمریکا بی بروم."

شمس‌الله می‌گوید: "مادر حقیقت با آمریکا در جنگیم. البته آمریکاسربازهای خودش را به جنگ ما نمی‌فرستد. بلکه به کشورهای دست‌نشانده اش مانند مصر، اردن و عراق دستور می‌دهد که با ما بجنگند ولی ما بر همه‌شان بی‌روز می‌شویم."

وی همچنین اضافه می‌کند: "من چند وقت پیش بطور دا و طلب به جبهه رفتم و ۶-۵ روز است که از آنجا برگشتم. خودم هم مایل نبودم که برگردم. بلکه آنقدر افراد دا و طلب آمده بودند که مسئولان مرا مرخص کردند. والان هم حاضرم که دوباره به جبهه برگردم."

وحسن می‌گوید: "این صدام حسین دست‌نشانده آمریکاست و الان ما او کی‌های فراری، بختیار، او بی و پالیزبان هم در عراق هستند و بدستور آمریکا با ما در حال جنگ هستند. ما خواهان جنگ نیستیم ولی اکنون که به ما حمله کرده‌اند ما کارگران و زحمتکشان تا آخرین قطره خونمان در راه انقلاب مبارزه می‌کنیم. من تا از برادرانم به هنگام نبرد با مزدوران عراقی شهید شده‌اند و خودم نیز چند روز پیش برای دفاع از انقلاب دا و طلب شدم. ولی گفتند که فعلاً به من احتیاجی نیست."

که من و امثال من بوجود آورده‌اند، ما راضی باشیم؟ و به همین علت و یا امیدیه آینده انقلاب است که کارگران بسیاری از نا ملایحات و محرومیت‌ها را تحمل می‌کنند و همه نیروی خود را برای مقابله با تجاوز آمریکایی صدام بکار می‌برند. به سراغ یکی دیگر از کارخانه‌ها می‌رویم: کارگری را در کنار دستگاه "سنگ ساب" مشاهده می‌کنیم که سنگهای ۵۰-۴۰ کیلوگرمی را بلند می‌کند. بطور نزدیک می‌شویم و درباره کارش سؤال می‌کنیم. می‌گوید:

"همانطور که می‌بینید، من مجبورم که برای صاف کردن و برش دادن این سنگها همیشه با آب سروکار داشته باشم. او که قسمت‌هایی از لباسش در حین کار خیس شده بود، چنین ادامه می‌دهد: "سختی کار ما بیشتر از این نظر است که دائماً با آب سروکار داریم و در فطلی که در پیش داریم، تحمل آن دشوارتر می‌شود."

وی درباره گرانی می‌گوید: "اکثر ما کارگران سنگبری‌ها چون حقوق مان، با توجه به گرانی کمترین، کفاف مخارج زندگی مان را نمی‌دهد، مجبوریم که پس از ساعت کار سنگین، اضافه کاری هم بکنیم."

شمس‌الله، کارگری دیگر از کارخانه‌ها، نیز گرما نشاهی است و ۲۶ سال دازد و سر و صورتش پوشیده از گرد و غبار سنگهاست. او درباره کارش می‌گوید: "اسم این کار را فرزکاری گذاشته‌اند ولی اسم واقعی آن بدبختی است. این کار جز بدبختی اسم دیگری ندارد. من ۴-۵ سال است که از صبح تا غروب، توی این کار هستم و فقط روزی ۹۸ تومان مزد می‌گیرم."

وی همچنین اضافه می‌کند: "گذشته از سنگینی وزن سنگها که انسان را به کمردرد می‌اندازد، من از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر توی این رطوبت کار می‌کنیم و تازه بعد از پایان کار هم باید ساعت اضافه کار کنیم."

می‌پرسیم: چرا؟ می‌گوید: "برای اینکه کارفرما می‌گوید اگر اضافه کاری نکنید، اخراجتان می‌کنم و برای ۸ ساعت اضافه کاری هم حقوق یک روز را به ما می‌دهند."

می‌پرسیم در کارخانه قبلی به کارگری که همین کار تو را می‌کرد، روزی ۵۰ تومان دستمزد می‌دادند. دلیل این موضوع چیست؟ می‌گوید: "فقط به این دلیل که هیچ کس به کار این کارفرماها نظارت نمی‌کند و آنها هم هر کاری دلشان بخواهد با ما

**طبقه کارگر ایران در افزایش تولید،  
توسیع خسارات جنگ  
و دفاع در جبهه، پیشقدم است!**





لجند کودکان دهقان (مرجان آباد - مهاباد) به روی انقلاب و به امید فردای روشن.

### روستائی زحمتکش مرجان آباد: «ما زمین می خواهیم این همیشه خواست ما بوده است»

روستای مرجان آباد در ۴۰ کیلومتری شمال مهاباد واقع است. این روستا ۳۶ خانوار (با جمعیت ۳۰۰ نفر) را دربر می گیرد. روستا ۱۰۶۰ هکتار زمین زیرکشت دارد و قسمتی از زمین های آن نیز بایر است. در حوالی این روستا یک کوره آجرپزی وجود دارد. از این مقدار زمین زراعتی ۱۰۰۰ هکتار آن در مالکیت ارباب و ۶ هکتار آن در اختیار ۲۳ خانوار قرار دارد. از این ۲۳ خانوار هم ۳ خانوار جمعا دارای ۳۰ هکتار و ۲۰ خانوار دیگر صاحب ۳۰ هکتار زمین باقی مانده هستند.

۱۲ خانواری زمین این روستا نیز با در کوره آجرپزی بکار مشغولند و با در روستای خود روستا های اطراف بعنوان کارگر کشتاوری برای صاحبان زمین کار میکنند. بعضی نیز در شهرهای دور نزدیک، بصورت کارگر ساختمانی بکارنیم بندی مشغول هستند. در زمان طاغوت، مالک جبار این روستا است. با زور و شکنجه و با اعدام رزمی و ساواک

حقوق برحق دهقانان تهیدست را پایمال کند و هر نوع اعتراض و مبارزه آنان را سرکوب سازد. ولی با وجود این، دهقانان این روستا، اعم از بی زمین و کم زمین، تاکنون پیوسته و متحد، برای بازی گرفتن زمینهای خود مبارزه کرده اند و تا رسیدن بخواست قانونی خود بیان ادامه خواهند داد. متاسفانه، علیرغم تصویب قانون اصلاحات ارضی و آئین نامه اجرای آن بوسیله شورای انقلاب، تاکنون بدلیل تعویق اجرای آن و جرایم ریهای که علیه فعالیت پرثمر و حیاتی هیئت های هفت نفری شده، هنوز دهقانان بحق خود ترسیده اند.

جوروستمی که سالها بوسیله مالک برای دهقانان محروم ورنجیده رفته، برکسی پوشیده نیست. بعنوان نمونه در کسب اراضی مالک کانال آبراه جویها به زمینهای زراعتی نرسید، زیرا پسر مالک طایفه بدست راه عبور آب را سد کرده و مانع رسیدن آب به روستا شده بود. او که دهقانان را به مرگ تهدید میکرد، با مفاومت و

اعتراض شدید روستایان خلع سلاح شد. یکی از دهقانان کم زمین، که زورگویی ها و نا مردمی های ارباب را بسیار دیده است، میگوید:

«از زمان طاغوت تا بحال شکنجه و ظلم و زور دیده ایم. انتظار ما از انقلاب این است که کشتاوریان و کارگران آزادانه کار کنند و برای آنها کار و زمین فراهم شود، نه اینکه ارباب

مفتخور و ظالم، که سالها همکار رزمی طاغوت بوده، مثل سابق به ما فشار بیاورد و به زورگویی های خود ادامه بدهد. او ادامه میدهد: «ما زمین می خواهیم. این همیشه خواست ما بوده و برای گرفتن آن همچنانکه در گذشته به اشکال مختلف مبارزه کرده ایم، باز هم تا آخرین نفس برایش مبارزه میکنیم. باید به دهقانانی که از روی ناچار یونداشتن زمین آواره شهرها و روستاها میشوند کار داده شود. ما نه برق داریم، نه درمانگاه، نه جاده و نه حتی مدرسه، دو تاده با هم یک مدرسه دارند.»

او اضافه میکند: «ما نمی خواهیم که بچه هایمان مثل خودمان بیسواد بشوند، میخواهیم با سواد بشوند و زبان مادری خودشان درس بخوانند. ما تمام بدبختی ها را از دست اربابان و ساواکی های طاغوت میکشیم، که میخواهند در کردستان جنگ ادامه داشته باشد، تا به هدف پلید خود برسند. آنها هر روز خاکی بوس وجود می آورند. اربابان حامی ویا و امریکا و صدام هستند و به هزار حیل دست می زنند. مالک می خواهد با دادن دو سه هکتار زمین به بعضی از اهالی روستا، آنها را بخدمت خود در آورند و باین ما تفرقه بینا ندازد، ولی دهقانان این زمینها را قبول نکردند. راستی این اربابان خوی و خصلت گرگ را دارند.»

### دهقانان مینویسند:

#### دهقانان زحمتکش آماده دفاع همه جانبه از میهن انقلابی هستند!

روستایان زحمتکش روستای بارده، طی نامه ای به استاندار چهارمحال بختیاری، آمادگی خود را برای دفع تجاوز رژیم صدام خائن و دفاع همه جانبه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده اند. در نامه آنان از جمله آمده است:

«اکنون که دست ظلم و ستم امپریالیسم جهانخوار از آستین بلید صدام حسین تکریتی کافر بیرون آمده و بر علیه انقلاب اسلامی ما از هرگونه توطئه و تجاوز فروگذار نمی کند و نیروهای رژیم بعثی عراق به مرزهای خاک مقدس ما حمله ور گشته و کشور عزیز ما را مورد تجاوز قرار داده و بر روی برادران ارتشی و سپاهیان پاسدار ما آتش گشوده، بدین وسیله ما مردمان روستای بارده، از طریق تعصب و غیرت و وطن خواهی، همه با عزمی راسخ و ایمانی کامل مصمم گشته با همه امکانات از میهن عزیز و ناموس ایرانی صیانت نموده و تا سرمرز شهادت از انقلاب خود دفاع کرده، و تا آخرین قطره خونی که در عروق ما جریان دارد، با ثبات قدم از یای نخواهیم نشست. در عین حال از پیر و جوان آماده ایم چون مجاهدین صدر اسلام به صفوف رزمندگان نستوه و دلاوران سلحشور برادران ایرانی بیوفتیم و در عرصه میدان نبرد حماسه بدر و احد را مجدداً به عالمیان بنمایانیم.»

این نامه به امضای ۷۲ تن از روستایان رسیده است. در این لحظات حساس باید دهقانان را که آمادگی کامل دارند، از هر نظر تجهیز کرد. آنان را باید از نظر نظامی آموزش داد و بسیج کرد.

دهقانان زحمتکش علاقمند به انقلاب و دستاوردهای آن هستند. با رسیدگی به خواست های دهقانان، این نیروی عظیم را علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم تجار و زرگرم صدام حسین تجهیز کنیم.

### اصلاحات ارضی برای کمک به جیبه و پشت جیبه

روستای گاوان در ۴۶۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان سنندج قرار دارد. آنها تا همین زمان زمینهای این منطقه در دست دو مالک و تقسیم روستا فاقد دبستان نکرده اند. اراضی عام و در مانگا و آنان میان

دهقانان بی زمین خواست های اصلی و کم زمین این روستا، برخورد های اجزای اصلاحات ارضی و واگذاری با مالک بوجود آورده است. در شرایط مالکان بزرگ است. تا بروی این زمینها ادامه مالکیت گشت کنند و فرمان غاصبانه بزرگ مالکان و ایجاد تشنج مستقیم بود مبارزان در جیبه دشمن متجاوز است. و بیهوده مردم در پشت مالکین بزرگ، جیبه کمک برسانند. دانگ از زمینهای

### پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدنبال درج یک خبر دهقانی در شماره ۲۵۸ مورخ ۵۹/۲/۲۵، تحت عنوان «دست ایادی غلامرضا پهلوی را از جنگلها کوتاه کنید»، نامه ای به شماره ۴۶۶۶-۱۴۹/۲/۱، از طرف اداره کل ارشاد ملی استان مازندران و فتوکی نامه شماره ۱۳۹۸-۱۹/۶/۵۹ از طرف بخشدار کردکوی به دفتر نامه مردم ارسال گردید. متن نامه بخشداری کردکوی چنین است:

«احتراماً عطف به نامه شماره ۲۲۵۳-۵۹/۵/۱۳ در مورد نامه مردم شماره ۲۵۸، مورخ ۵۹/۲/۲۵، صفحه ۴ (بولتن شماره ۲۴) تحت عنوان «دست ایادی غلامرضا پهلوی را از جنگلها کوتاه کنید» مطلبی درج گردیده بود، لذا باستحضار می رساند کلیه اموال مطلب درج شده که در طرح جنگل کردکوی مشغول بکار بوده، از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردکوی صادرة شده است.

نامه مردم - از محتوی نیمه سهم نامه فوق برمی آید که، مصادره اموال مربوط به ایادی غلامرضا پهلوی ملعون است، که در این صورت مورد تأیید ما و دهقانان زحمتکش خواهد بود.

ضمن تشکر از مقامات مسئول، اگر توضیح بیشتری ضروری است، لطفاً به نامه مردم اطلاع دهید.

### وام های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، بنحویکه در تولید مؤثر باشد، به شورای ده و به تعاونی ها برسانید.

### سازندگی

#### در پشت جیبه نبود

جهاد سازندگی در فول، که به مدار پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷، با یک نیروهای جوان و فعال در فول پاکرفته و نقش ارزنده و چشمگیری در عمران و آبادی روستاهای منطقه، در ساختمان مدارس متعدد و همچنین شهرکهای جدید در این منطقه داشته است. در جریان جنگ میهنی کونی با امپریالیسم آمریکا و نیروهای مزدور دارو دست، جنایتکار صدام حسین نیز به جهاد سازنده خود در ارتباط با نبرد بهمن و شایسته ادامه داده است.

به دنبال توطئه امپریالیسم آمریکا و تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما، جهاد سازندگی در فول، در کنار نیروهای رزمنده سپاه پاسداران و بسیج مستضعفین، نیروی کلیه واحدهای خود را برای کمک به جیبه جنگ و تدارکات وسیع پشت جیبه تجهیز کرده است.

از کارهای ارزنده این نهاد انقلابی، بسیج کادرهای کارگری متخصص به منظور تأمین نیازمندی های تعمیراتی جیبه و بسیج تعداد زیادی خودروهایی کمبرسی، وسایط نقلیه و ساختمانی و عملیات ترمیمی خوابگاههای جنگل در سطح شهر در فول بوده است.

چهره یوتوحرک جهاد سازندگی در این شرایط و قیافه های مصمم و فعال اعضای آن، از پیوند عمیق و انقلابی این نهاد با توده های مردم حکایت می کند. ما برای جهاد سازندگی شهرستان در فول موفقیت ها و پیروزی های روز افزون آرزو میکنیم.

### در نمونه از کسب های مثبت و قاطع دادگاه انقلاب اسلامی

فصل در تقسیم زمین بزرگ مالکان و واگذاری آنها به دهقانان

دادگاه انقلاب اسلامی فسا، در نیمه دوم سال ۵۸، بنا به شکایت دهقانان این منطقه، حکم به تقسیم زمین های مالکان بزرگ منطقه فسا، در میان دهقانان بی زمین و کم زمین منطقه داده بود، اما بزرگ مالکان بوسیله ایادی خود و برخی از متنفذین مرتباً به دادگاه مراجعه کرده و به بهانه وجود مستاجرین در زمین و این که باید زمین در اجاره آنها باشد، در

صدد لغو حکم قاطع دادگاه انقلاب اسلامی فسا برآمده بودند.

اما مسئولین دادگاه اسلامی فسا، باردیگر با قاطعیت حکم قبلی را صادق دانستند و دستور واگذاری اراضی بزرگ مالکان را به صاحبان واقعی آن ها، دهقانان زحمتکش، دادند.

دادگاه انقلاب وظیفه انقلابی خود را انجام داد و حق را بحق دار



دهقانان کمک کنیم، تا دستگر و در پشت جیبه، وظیفه انقلابی خود را بانجام برسانند.

(ده مرجان آباد - مهاباد)

روشن بینی و اتحاد دهقانان ستایش انگیز است. تجربه زحمتکشان مرجان آباد و دیگر روستاها نشان میدهد که بزرگ مالکان در اقتصا دروستاشی کشور خرابکاری می کنند، در اجتماع تشنج میا فریبند و زمینه ساز توطئه علیه انقلاب هستند. باید ریشه آنها را کند، تا بتوان بر آمریکا و بر عمال آن توطئه های آن پیروز شد و کشتاوری را از اعتلا بخشد.

رساند. تنها این شیوه عمل، که به دور از هر گونه تسلیم در برابر فشار بزرگ مالکان است، جنبه و پشت جیبه، در سگر و در کشتزار، به جمهوری اسلامی ایران خدمت کند.



# سادات در لباس ژاندارم

امکانات نظامی اسرائیل قابل مقایسه باشد.

این روزنامه ادامه می‌دهد:  
مصر ۳۰۰ هواپیما از انواع مختلف از آمریکا درخواست کرد، اما فقط ۷۵ فروند دریافت کرد. مصر از راکت‌های درخواستی جهت ۵۰ لشکر نیروهای زمینی فقط تعداد لازم برای ۱۲ لشکر را می‌تواند دریافت کند. در همین حال، پیرامون اینکه به مصر همان امتیازاتی را بدهند که به اسرائیل داده‌اند، هیچ محبتی هم نمی‌توان کرد. و این هنگامی است که اسرائیل با تکرار رسمی اعلام کرده و سوگند خورده که اسلحه‌های آمریکایی هیچگاه علیه اسرائیل بکار برنده نخواهد شد. اما واشنگتن بهیچوجه این نکته را مخفی نداشته است که مصر در مقابل همان اعتباراتی که تاکنون دریافت داشته، باید خدمت خود را نشان دهد. بنظر می‌رسد که در نقشه‌های واشنگتن برای خاور نزدیک، مصر نقش متفق درجه دومی یا تخصص محدودی و یا بعبارت دیگر، نقش ژاندارم عرب-مسلمان را بعهده دارد، که تجهیزات آن باید برای اجرای عملیات پلیسی کافی، ولی برای یک استراتژی مستقل بکافی ناکافی باشد! "دکترین کارتر"، که چندی پیش اعلام گردید، به تفاوت از دکترین سابق بیشتر روی "حضور نظامی مستقیم آمریکا در مناطق منافع حیاتی" امپریالیسم آمریکا تکیه می‌کند. پایگاه چنین "حضور"ی، مورد نظر گرفته شده است. رئیس ستاد نیروهای هوایی آمریکا، ژنرال لیوالن، در ماه ژوئن اعلام کرد، بعضی جزئیات فنی نقشه‌های واشنگتن را توضیح داد و گفت: "ما میخواهیم عمل کردن در این

کمپ دیوید، که حدود ۴/۵ میلیارد دلار در نظر گرفته شده بود، ۳ میلیارد به اسرائیل و نصف آن به مصر رسید. اگر در نظر بگیریم که مصر قبلا اعتبار نظامی بمبلغ یک میلیارد دلار گرفته بود و بعد از "پاکت اسهام معامله" کمپ دیوید هم ۲۵۰ میلیون دلار بهمان منظور دریافت کرد، در انصورت کل مبلغی که قاهره می‌خواهد از آمریکا اسلحه خریداری کند، به ۲/۸۵ میلیارد دلار می‌رسد. علاوه بر این، در چانه زدنهای بعدی واشنگتن حاضر شد که ۴ میلیارد دلار برای برنامه تجدید تسلیحات ارتش مصر اختصاص دهد.

قاهره در عوض چه خواهد داد؟ انور سادات هم اکنون یک پایگاه نظامی در بخش مصر علیا در اختیار پنتاگون قرار داده است تا واهای نیروی هوایی آمریکا با دستگاه‌های جاسوسی آواکس مرتباً به آنجا پرواز می‌کنند. در پایگاه دیگری در قاهره، در عرض ۴ ماه، هواوردان قانتوم‌های آمریکایی به پروازهای دسته‌جمعی به همراه خلبانان مصری پرداختند. رسماً اعلام شده است که یک پایگاه دیگر در راس بناس (محل دریای سرخ) تحت اختیار نیروهای دریایی و هوایی آمریکا قرار داده خواهد شد. آمریکا در این پایگاه نوآرهای پرواز خواهد ساخت و بنترگاه نظامی را توسعه داده، با لوازم ضروری مجهز خواهد کرد.

طبق ارزیابی روزنامه "واشنگتن پست" این تدارکات مقدماتی در حدود ۴۰۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت و از آن پس پایگاه قدرت پذیرش هواپیماهای آمریکایی و حدود ۱۸ هزار چترپاز را پیدا می‌کند. در ماه نوامبر حدود ۱۵۰۰ نفر از ارتشیان آمریکا به مصر اعزام می‌شوند، تا نخستین آموزشهای نظامی در خارج از مرزهای آمریکا را در چهارچوب با اصطلاح نیروهای واکنش سریع انجام دهند (که اکنون صورت می‌گیرد).

مطبوعات عربی خبر داده‌اند که هم اکنون در مصر کارشناسان و "مشاورین" ماوراء اقیانوس که در سرکوبی تیش‌های خلقی تخصص دارند مشغول به کار هستند. بدین ترتیب واشنگتن نه فقط هزینه‌های نظامی قاهره را می‌پردازد، بلکه در عین حال "اعتبار لازم برای حفظ رژیم در مبارزات سیاسی داخلی را نیز در اختیار آن قرار می‌دهد.

امپریالیسم آمریکا با عجله به تجدید تسلیحات ارتش مصر مشغول است. بخش بزرگی از ۲۵ فانتوم‌های خریداری شده هم اکنون به مصر آمده است. تا آخر سال احتمال دارد ورود هواپیماهای "ف-۱۶" به مصر آغاز شود. نیروی دریایی مصر در صدد تهیه زیردریایی‌ها و ناوهای اختصاصی دیگر جهت تکمیل در آبهای سرخ است. در پایگاه هوایی "لاکاند" در ایالت تگزاس خلبانان مصری را تعلیم می‌دهند. گروه‌هایی از ارتشیان مصر پشت سرهم عازم آمریکا می‌شوند.

آنها هم اینها بدان معناست که مصر سابقه در راه "متفق شماره ۱ آمریکا" در خاور نزدیک شدن را از اسرائیل برده است؟

برای پاسخ به این پرسش باید باز به ارقام مراجعه کرد: مصر سالانه حدود ۷۵۰ میلیون دلار به حساب اعتباری که به او می‌دهند، تجهیزات جنگی از ماوراء اقیانوس خریداری می‌کند. اما اسرائیل سالانه ۱/۸ میلیارد (حدود ۲/۵ هزار برابر) آن هم تجهیزات جنگی از نوع پیشرفته‌تر و بهتری را خریداری می‌کند. برای سال مالی ۱۹۸۲ تل‌آویو می‌خواهد ۱ میلیارد دلار کمک از آمریکا تقاضا کند، که دو سوم آن صرف تجهیزات نظامی می‌شود.

در این مقایسه دیده می‌شود که تجدید تسلیحات مصر چندان قابل ملاحظه نیست. روزنامه "الشعب" چاپ قاهره، با استناد به عقیده افسران صلاحیتدار مینویسد: "برای ارتش مصر سالانه حدود ۱۵-۱۰ میلیارد دلار تجهیزات جنگی لازم است تا بتواند بطور تقریبی با

برابر حسابی که منبوعات کردها در برنامہ کمک نظامی امپریالیسم آمریکا به کشورهای خاور نزدیک در نوبت اول به اسرائیل، مصر و عربستان سعودی، در سال جاری افزون بر ۸ میلیارد دلار است. هدف‌های این با اصطلاح کمک نظامی چیست؟

روزنامه آمریکا "نی" فیلادلفیا- اینگوییر "به این پرسش پاسخ می‌دهد: "دولت کنونی آمریکا نیز مانند پیشینیان خود نمی‌تواند جز دادن اسلحه وسیله دیگری برای بدست آوردن دوستان پیدا کند."

البته معلوم است که سخن از چنان "دوستانی" است که حاضرند اسلحه گرفته شده از آمریکا را برای منافع آمریکا بکار برند.

پس از خروج ارتشهای انگلستان از نواجی وسیع "آاورکانال سوئز" در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) خود بخود "دکترین نیکسون" در این منطقه رایج شد که طبق آن، امپریالیسم آمریکا می‌بایست بر متحدینی تکیه کند که از لحاظ نظامی فنی آنها را تا مین می‌نماید. حلقه عمده این "دکترین" البته اسرائیل است که همیشه نقش چاقی را بالای سر دنیای عرب بازی کرده است. برای رژیم طاغوتی شاهنشاهی نیز نقش "ایر قدرت" منطقه‌ای در نظر گرفته شده بود، که همچون نوعی "ژاندارم خلیج فارس" پاسدار منافع غاصبانة انحصارات نفتی بین المللی و نگهبان "منطقه فلتی" تا مرزهای اتحاد شوروی باشد.

تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، شاه مخلوع تقریباً نیمی از درآمد سالانه ۲۰ میلیارد دلاری از نفت را به هزینه‌های نظامی اختصاص می‌داد. در ایران در حدود ۶۰ هزار متخصص نظامی آمریکایی وجود داشت. عربستان سعودی نیز که یکی از بزرگترین مادرکنندگان نفت بود، همواره "مورد توجه خاص واشنگتن" بود. تا این زمان عربستان سعودی ۶/۲ میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خریداری کرده است. در این کشور حدود ۳۰ هزار متخصص آمریکایی وجود دارد! انقلاب ایران شدیدترین ضربه را به "دکترین نیکسون" در خاور نزدیک و میانه وارد ساخت استراتژی‌های واشنگتن با تب و تاب فراوان به جستجوی جانشینی، هم برای "دکترین نیکسون" و هم برای متفقی که از دست داده بودند، پرداختند. عربستان سعودی که از لحاظ نظامی قدرت کافی نداشت و سیاست خارجی محتاطانه‌ای برای ایفای نقش گرداننده در جهان عرب و اسلام تعقیب میکرد، بدره این کار نمی‌خورد. نظر واشنگتن متوجه قاهره شد. پس از انعقاد سازش کمپ دیوید (سپتامبر ۱۹۷۸) و امضای قرارداد طح جداگانه اسرائیل و مصر (مارس ۱۹۷۹) انور سادات با فعالیت بیشتری از آمریکا دعوت می‌کرد، تا از اراضی مصر برای مقاصد استراتژیک خود استفاده کند. روزنامه آمریکایی "اینترنشنال هرالد تریبون"، که در پاریس منتشر می‌شود، نوشت:

"رئیس جمهور انور سادات خلیجی مایل است یک اتحاد استراتژیک بین آمریکا و مصر ایجاد کند. این روزنامه از اظهارات انور سادات نقل قول می‌کند که گفته بود: "بگذار ایالات متحده به مصر کمک اقتصادی کند... ما حاضریم ارتش‌های خود را به دفاع از هر کشور عربی، که هوادار غرب است اعزام داریم."

در عمل قاهره وارد سابقه با تل‌آویو شده که کدام یک می‌تواند بهتر به منافع آمریکا در منطقه خدمت کند، کدام یک از دو دولت دشمن همه جهان عرب و اسلام است. اسرائیل یا مصر. این بزرگترین کشور عربی از حیث جمعیت و امکانات بالقوه نظامی صنعتی، چه کسی بهتر می‌تواند "جلوی کمونیسم را بگیرد"، جنبش‌های رهائی بخش ملی را سرکوب کند، وضع اجتماعی - اقتصادی موجود رژیم‌های ارتجاعی را حفظ کند، واشنگتن را از حیث پایگاه تا مین کند و اگر لازم شود، سرباز هم بدهد؟ اگر قاهره انتخاب شود، در آن صورت سیل "بخش‌های" ماوراء اقیانوس به سوی قاهره سرازیر خواهند شد... در قاهره چنین تصور می‌گردد و این بود منطق خیانت به منافع عمومی و مشترک اعراب.

از "پاکت اسهام معامله" کمک نظامی آمریکا در چهارچوب سازش

منطقه را خودمان یاد بگیریم... یکی از مقاصد اصلی ما اینست که برخورد اهالی محل به نیروی هوایی آمریکا با طاقت و تحمل توأم باشد. پنتاگون علاوه بر مصر، در عمان نیز پایگاه بدست آورده است. دولت سومالی هم پایگاهی در بندر بربره در اختیار آمریکا گذاشته است. اگر در نظر بگیریم که آمریکا پایگاه بزرگ و پیر-تجهیزات پیچیده‌ای در دیگوگا رسیا در اقیانوس هند، دارد و تلاش می‌کند که در کنیا نیز مستقر شود و در بحرین هم پایگاه دریایی خود را حفظ کرده است. آنوقت منظره یک سیستم گامی از پایگاه‌های نظامی و تکیه‌گاه‌های استراتژیک امپریالیسم آمریکا مجسم می‌شود، که منطقه خاور میانه و نزدیک را احاطه کرده است. در وضع بسیار مستحبی که در نتیجه جنگ تجا و زکا رانه رژیم صدام تکریتی علیه جمهوری اسلامی ایران در این منطقه بوجود آمده است. این سیستم میتواند در لحظه به کار رانداخته شود.

روزنامه سوریه "البعث" با استناد به "معاقل کا ملا مطلع" در کویست می‌نویسد:

تخصیص یگان های ارتش آمریکا پس از جنگ عراق علیه ایران، هم اکنون به منطقه خلیج وارد شده‌اند. آنها در عمان، بحرین، اما رات (دوبی) و عربستان سعودی مستقر شده‌اند. این روزنامه تاکید می‌کند که بویژه سادات تعاس با دولت‌های خلیج فارس را به منظور همکاری در چهارچوب نقشه‌های جنگی امپریالیسم آمریکا آغاز کرد.

اما همه کسانی که امید دارند در "حضور آمریکا" و "پشته‌هایی از تجهیزات جنگی" تکیه‌گامی پیدا کنند، بناب رابه گردن خود خواهند گذاشت است.

(خلاصه از مجله "عصر جدید" ۱۲۳ اکتبر ۱۹۸۰)

در جنگ عادلانه مردم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

## مائوئیسم

از صفحه ۳

روزنامه رنجبر است. رنجبر شماره در باره این متخصصین موهوم قلمفرسائی کرد و سرانجام تکرار و تکمیل این خبر را ساخته را به دیگر باران علاقمندان خود موعول کرد. رنجبر هم، مثل نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی" حل نشدن مساله کروگان‌های آمریکائی را برای مدت یک سال و اصولاً این

عمل انقلابی را، که امام خمینی آن را "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" و "باعث آبروی اسلام و ایران" خواندند، زیر سر توده‌ای‌ها و "توطئه" معرفی کرد، غافل از این واقعیت - شاید هم کاملاً آگاه بر آن - که: "علیرغم القاء" نویسنده مقاله، حل نشدن مساله جاسوسان آمریکائی در مدت یکسال، نه وارد و افسون حزب توده ایران، که به خواست قلبی توده‌های میلیونی و ناشی از دستور صریح امام خمینی در واگذاری تعیین سرنوشته جاسوسان به عهده مجلس شورای اسلامی بود. و هنوز هم لاینحل ماندن این مساله - کداع و در دستگیری برذل لبرال‌هاست - نه تحریک و وسوسه توده‌های - که هیچ نقش و سمت و اختیار رسمی و دولتی ندارند - بلکه بی‌اعتنایی و تعدد آمریکای جهان‌خوار در آزادی شهروندان و جاسوسان خویش و شانه خالی کردن از پذیرش شرایط عادلانه ایران برای رضائی جاسوسان است.

نویسندگان رنجبر هم، مثل نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی"، از زرفش انقلاب و شتاب گرفتن آهنگ ضد امپریالیستی و ضد آمریکائی آن بی‌ساز و همچون نویسنده مقاله، که فریاد برمی‌دارد: "مبادا" مجبور شویم با باره کردن رشته‌های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، از آمریکا بطور کلی از غرب، با کشورهای سوسیالیستی رابطه بگیریم - سعی در بیرون کشیدن آمریکا و دیگر امپریالیست‌های غربی از زیر ضربه و آماج قرار دادن کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی بجای آنها دارند. اگر نویسنده "القاء ایدئولوژی" مبارزه انقلاب ایران را با امپریالیسم آمریکا کاذب و غیر طبیعی می‌داند، کستائی می‌نویسد: "تشدید جو دشمنی موجود با آمریکا بطور کاذب" نظر حزب توده ایران است، رنجبری‌ها هم در حوش خدمتی به ارباب، به سوسیالیسم جهانی، به عنوان دشمن اصلی ایران، اشاره می‌کنند و در این جنبه‌گیری نویسنده مقاله، که بی‌برده‌بوشی و لااقل حفظ ظاهر، از "پاره کردن رشته‌های روابط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از آمریکا و بطور کلی از غرب"، اظهار ناراحتی می‌کند، شریکند.

اگر قرار باشد تمامی نکات و مضامین مشترک مقاله و موضع نویسنده مقاله با موضع حزب رنجبران بازگو گردد، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. همین نمونه‌های مشخص برای بر ملا کردن ریشه‌های واقعی و منابع الهام نویسنده مقاله کافی است. و همین مختصر شاهد زنده و گویائی است که واقعا چه کسانی تلاش در "القاء ایدئولوژی" سفارشی خود به انقلاب خلقی و آزادی بخش ایران و انحراف مسیر دارند. نویسنده مقاله "القاء ایدئولوژی" یک تن بیش نیست. و یک مقاله، اعتبار و مایه‌ای در خور این نقد و بررسی و توجه را ندارد. اما واقعیت اینست که این یک تن و این یک مقاله شاهد گویائی از وجود یک جریان سیاسی و انحرافی خاص است که مخفیگاه خود را به درون سنگرهای انقلاب کشانده است. و ضرورت افشای این جریان و نمایندگان آن، از نیاز مردم و حیاتی انقلاب به خاندانگانی و تاراندن ارواح و اجنه بدشگون از دور و برش، ناشی می‌شود.



در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان به کنفرانس سران مرتجع عرب شدت حمله کرد و همچنین خواستار رسیدگی به وضع به اصطلاح مجاهدان افغانی، که به قاچاق ارز و سرعت مسلحانه در ایران اشتغال دارند، گردید.

در آغاز این جلسه محمدعلی قاتاری، نماینده زاهدان، اولین سخنران پیش از دستور، به تشکیل کنفرانس سران مرتجع عرب اشاره کرد و گفت: «آمریکا، این خصم خیرمس مستضعفین جهان، این کنفرانس را توسط «حماة الخطیبه» تشکیل داد تا خنجر از روبرو بر انقلاب فلسطین و از پشت بریکر انقلاب اسلامی ما فرود آورده. ناظر سبب به سفر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به کشورهای مترقی منطقه اشاره کرد و ضمن پربار و موفقیت آمیز خواندن این سفر، گفت:

«این دیدار تا آنکه یک سفر دیپلماتیک بسیار مهمی بود، بلکه سرآغاز فصل نوینی است در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جبهه پایداری و قطعاً این گرایش است صحیح و اصولی، که در تدوین خط مشی و دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیر فراوانی خواهد داشت و پشت استحكام بیشتر یوندهای انقلابی و اسلامی خلق مسلمان ایران و خلقهای انقلابی و مسلمان خاورمیانه خواهد شد و پشتیبانی تمام نیروهای ضدامپریالیست و نهضت‌های آزادیبخش را در سرتاسر جهان به دنبال خواهد داشت. علاوه بر این، این دیدار از اهمیت خاصی و فراوانی به عنوان بزرگترین خط مشی مجلس در زمینه مسائل سیاست خارجی که براساس اصل تولی و تیری و اصل نه شرقی نه غربی پرریزی شده، برخوردار است، و بالطبع تأسی است از سیاست داخلی جمهوری اسلامی، که مجلس در پیش گرفته است و متغیر این نوع با تصویب هرچه بیشتر و سریعتر قوانین در جهت منافع مستضعفین سیر صعودی را خواهد نمود. برای نمونه دو مسئله بسیار مهم، که در آینده نزدیک در دستور کار و شور مجلس قرار خواهد گرفت، یعنی طرح ملی کردن بزرگسالی خارجی و طرح تقسیم عادلانه آب را می‌توان ذکر کرد. نمونه دیگر لایحه قانونی تقسیم اراضی است که در مراحل ابتدایی اجراء است. گرچه گهگاه زمزمه مخالفتی از ناحیه کسانی که منافع خود یا اربابان خود را در خطر می‌بینند، سر داده می‌شود، ولی با تأیید مجدد امام یاسنج سخنی به آنها داده شد. مجلس آگاه است که این نمونه‌ها برای رهایی مستضعفین از قید و بند و اسارت مستکبرین کافی نیست، بلکه هنوز مسائل پیچیده و بفرنجی در جامعه لاینحل باقی است، که امید است در آینده با شتاب بیشتری رسالتش را به انجام برساند. هنوز به علت اجراء نشدن کامل اصول ۲۹ و ۳۳ قانون اساسی سرنوشته اداره کارگران شهرداری و سایر کارگران روشن نیست، در صورتی که حقوق‌های کلان عدای از کارمندان دربار و ساواک، که به خارج فرار کرده‌اند، هنوز پرداخت می‌شود. در این خصوص دلایل کافی در دست است. چه ضرورتی دارد به کسانی که دین و ایمان وطنشان چندان‌ها بر از پول و جواهرات است که در ایران بستان و مهر و موم و در خارج گشوده می‌شود، حتی حقوق بازنشستگی برای عیاشی آنها پرداخت شود؟ هنوز برنامه‌های توسلری جامعه مراحل ابتدایی را می‌گذراند و به علت عدم برنامه‌ریزی صحیح، خلایق که این صنایع ذوب فلزات و صنایعی که مصرف فلزی دارند، بر نشده است. برای توضیح بیشتر، رژیم دست‌نشانده امپریالیسم و انحصارگران خارجی با کارشکنی در احداث صنایع ریخته‌گری و ماشین‌کاری قطعات ریخته‌گری و آهنگری به مقیاس وسیع، عمدتاً مانع از آن گردید که محصولات ذوب آهن به شکل مواد نوساخته در صنایع مورد استفاده قرار گیرد. صنایع ذوب فلزات وقتی می‌تواند نقش اساسی و تعیین کننده در صنعتی کردن کشور ایفا کند که صنایع جنبی آن ایجاد گردد، یعنی هم‌رود با ایجاد صنایع ذوب فلزات، ایجاد شبکه‌ای از صنایع ماشین‌سازی که بر پایه محصول ذوب فلزات کار می‌کنند، احداث گردند. توجه مستولین امور را به این امر حیاتی جلب می‌کند.»

عدم کنترل مرزها و هجوم

بی‌رویه افغان‌های به اصطلاح مبارز  
قاتاری سپس افزود:  
«هنوز بسیاری از مرزهای کشور کنترل نمی‌شود و این باعث شده است که عده‌ای دلال

در جلسه علنی مجلس گفته شد:

کنفرانس سران عرب بدستور آمریکا تشکیل شد

سفر رئیس مجلس به کشورهای مترقی منطقه بازتاب خط‌مشی مجلس است

- گروه سیاسی و مبارز افغان وابسته به آمریکا در قاچاق ارز و فرار دادن ساواکی‌ها از ایران دست دارند
- آقای والد‌هایم! شما پرچم حقوق بشر را به کار تروریست‌ها که تنگ‌حقوق بشرند سپرده‌اید

نایب بعدی پیش از دستور قهرمان رحمانی، نماینده مردم تاکستان، ضمن اشاره به دفاع دلیرانه یاسداران و نیروهای مسلح از میهن انقلابی، گزارشی در مورد یازدید از خوزستان به مجلس ارائه داد.

سومین سخنران سید محمد مهدی جعفری، نماینده مردم دشتستان، به نحوه برخورد بسا امپریالیسم، فاشیسم، ناسیونالیسم و لیبرالیسم اشاره و تأکید کرد که:

«از آنجا که انقلاب اسلامی ما ویژگی‌های خاصی خود را داشت و خصالت‌های ضد استکباری و ضدامپریالیستی آن از نشمن توطئه‌گر پوشیده نبود، بدیهیست که نمی‌توانست در برابر آن‌ساکت بشیند و به هر اقدامی دست می‌زد تا اینکه رام‌ترین عروسک را می‌یابد و یا شعارهای پظاهر ضدامپریالیستی کوک می‌کند و به جان جمهوری اسلامی ایران می‌اندازد تا اینجای جریان طبیعی است، اما آنچه تاریخ‌ساز است، اراده مرد پوی و مصمم آنها به حفظ و تداوم انقلاب به رهبری امام خمینی است.»

وی سپس گفت:

«آنچه باعث نگرانی و نه ترس، است اختلاف‌ها و کشمکش‌هایی است که بین مستولین جریان دارد و آنها بی‌توجه به هشدارها راه خود را می‌روند... حال اگر ما اختلافات پیریشه و غیر اصل را کنار بگذاریم، از جنگ تحمیلی امپریالیسم و صیونیزم بی‌رونی خواهیم آمد.»

گزارش سفر حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

در اینجا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس خبرگزاران در رابطه با مسائل مختلف روز داد و جنایات رژیم صدام در لرستان را محکوم کرد.

رئیس مجلس آنگاه به سفر خود به کشورهای عربی اشاره کرد و گفت که بزودی گزارشی میسوی در این مورد به مجلس خواهد داد. وی آنگاه گزارشی کوتاهی از سفر خود به مجلس داد و از جمله اظهار داشت:

«ما رویه‌رفته خوشحال و راضی و امیدوار برگشتیم. در مورد مجلس باعث اعجاب آنها بود که یک انقلاب که منکی به حزب و تشکیلات منظمی نبوده و فقط با اتکال به یک رهبری قاطع و اراده مردم بتواند ملت را به سرعت به مجلس برساند.»

رئیس مجلس سپس افزود:

«آنها از اینکه یک مجلس با توجه به نداشتن سابقه پارلمانی نمایندگانی، اینقدر به خود مطمئن است که روزانه ۴ ساعت فیلم در اختیار مردمش می‌گذارد و مستقیم از رادیو پخش می‌شود، می‌گفتند این دلیل بر استحکام شملت، آنها البته تذکراتی هم داشتند. باید بگویم که مجلس ما در دنیا زیر نگاه است و همه آن را ارزیابی می‌کنند. از زنده بودن مجلس ما خوششان آمده

بود و رویه‌رفته ارز پاره‌ها مفید بود. آنها خواستار میانه‌تجرب در این مورد بودند.

رئیس مجلس گفت:  
«در مورد اصل انقلاب، علیرغم اینکه ماکاری نکردیم و خود را معرفی نکردیم، مستولین این کشورها و مردشان تحلیل‌های خوبی از انقلاب ما کرده بودند. البته رفتن ما و باز کردن نکات مبهم برای آنها موثر بود، ولی خوشبختانه تفاوت آنها خوب بود. اینکه ملت ما توانست آمریکا و رژیم شاه را به این آسانی ازجا بکند، برای ملت عرب خیلی عجیب بود و حتی تصور هم قابل قبول نبود. آنها شاه را خیلی ریشه‌دار می‌دانستند و تبلیغات هم موثر بوده است. آن پول‌ها، این ارتش، این پلیس، این ساواک، آن همکاری اسرائیل، آن همکاری آمریکا و سیا و انگلستان و ارتباطات با ارتجاع منطقه و این امید که ارتجاع منطقه به حمایت شاه بسته بود، تمام این‌ها برایشان این فکر را بوجود آورده بود که این‌ها زرفتی هستند و کار ملت ما و رهبر ما برای آنها در حد معجزه است و با برخورد امتنان آمیز روبروست. ضمناً آری که انقلاب ما در منطقه داشته بسیار مهم است. آنها بعد از اینکه مصر به اردوگاه امپریالیسم پیوست، داشتند ناامید می‌شدند و فکر می‌کردند دیگر اسرائیل در منطقه ماندنی است. ولی انقلاب ما باعث دلگرمی آنها شد. آنها معتقدند این پاک‌سازان باعث سرنگونی اسرائیل و صیونیزم و یزوری‌م‌لتهای مسلمان و انقلابی منطقه خواهند شد. آنها دفاع از انقلاب اسلامی ایران را وظیفه خود می‌دانند. لبتاها که وضعیتان بر همه روشن است. روز عاشورا جمع شدند، پول برای آوارگان جنگ ما جمع کردند، حتی می‌گویند یک جبهه مخصوص برای لبتاها باز کنید. وقتی به آنها گفتم: شما خودتان در حال جنگید. پاسخ دادند: اگر ایران نجات یابد، ما هم نجات خواهیم یافت. بنابراین برداشت از انقلاب ما به عنوان یک چیز نجات‌بخش و اسلامی بودنش به عنوان وظیفه آن برای مبارزه با صیونیزم بین آنها وجود دارد و چیزهایی که ما می‌گفتم برادران ما را در آنها محکم‌تر می‌کرد.»

تولوی اردن!

رئیس مجلس سپس تأکید کرد که عده‌های صدام در آنجا جا نیفتاده است و اردن برای آنها مثل لولوی است که حضور وی در جبهه‌ای باعث بر اعتباری آن جبهه می‌شود. وی افزود:  
«آنها این جنگ را جنگی امپریالیستی علیه ایران و تجاوز صدام به ایران می‌دانند و از اینکه می‌بینند هر روز تعدادی اسلحه ملل مسلمان‌ها در می‌رود، چندان عیبی نیست و عراق را متصر می‌دانند. وقتی من در جلسه‌ای در سوریه اسم صدام را آوردم صدای «لغت‌خندار او» از همه سوراخست. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی سپس، ضمن تشریح احسانات مردم کشورهای عربی که از آنها یازدید کرده بود، گفت:

«آنها از ما طلبکارند و می‌گویند این انقلاب مال همه ملت، و ضغضا و کاستی‌ها بر ما نمی‌بخشند. آقای قذافی می‌گفت ملت ما را به آسانی رد نکنید. ما هر چه داریم از آن شملت. در مورد جنگ هم، جنگ را آمریکا و تجاوز صدام می‌دانند و این شعار را قبول دارند که، تا سقوط صدام باید جنگ ادامه پیدا کند. بعضی‌ها برای دلسوزی فلتی می‌کنند که جنگ متوقف شود، ولی معتقدند در آن صورت هم صدام سقوط خواهد کرد. بهر حال همه در مورد لزوم سقوط صدام متفق‌القولند. ضمناً از استحکام ایران خوشحالند و نگران بودند که میباید ایران بتواند مقاومت کند و اینک با سواس اخبار جنگ را تقییب می‌کنند.»

رئیس مجلس آنگاه به احسانات مردم این کشورها و رهبران آنها نسبت به امام خمینی اشاره کرد و گفت:

«آنها گفتند ما تاکنون کسی را ندیده‌ایم که به اندازه امام این همه قلوب را تسخیر کرده باشد. تبلیغات سوء هیچ تأثیری نگذاشته است و مردم اسم امام را کامی آورند، گریه می‌کنند. البته این همراه انقلاب است و با آن تحلیل‌هایی که گفتم، منتها وظیفه ما هم خیلی سنگین است. باید کار توضیحی بکنیم و در این رابطه امیدوارم ارتباط ما با دنیای خارج مخصوصاً با کشورهای مترقی عرب سریع‌تر برقرار شود.»

پس از پایان سخنان رئیس مجلس، جلسه وارد دستور شد. در آغاز قسمتی از ماده دوم طرح اداره رادیو و تلویزیون مورد بررسی قرار گرفت و بقیه در صفحه ۸



نشینی در راه...

بقیه از صفحه ۲

صالح آنها، بویژه لیبیا، بر نتیجه نمانده و کار واگذاری اراضی مزروعی به دهقانان تجدیدتأملا متوقف شده است.

ما نمی‌توانیم از ابراز تاسف جدی در این باره خودداری کنیم که در بهترین و گره‌ترین بخش قانونی اصلاحات ارضی، یعنی اراضی متعلق به بزرگ مالکان، بازهم یک سیاست دیگر چندماهه به ثوابت داده میشود و باز هم اجرای قانون به تأخیر می‌افتد و یازم دست توطئه‌گر و فاسد این شیاطین کوچک، این پایگاه امپریالیسم و لانه ظلمت و زورگویی، برای ادامه ستم و چارول، برای توطئه‌ها و تشییع آفرینش‌های تازه، تازم بازمی‌ماند.

مانع کنونی، تمویق‌بندی چه قانون است که درست هسته مرکزی و اساسی قانون واگذاری زمین به آن مربوط میشود. گره مرکزی قانون، الفای بزرگ مالکی است، نکته اساسی، حل یکی از مضامین بنیادی اجتماعی - اقتصادی سیاسی جامعه ماست. بدون گولته کردن قسمت بزرگ مالکان آن گره گشوده نمیشود و این مشکل حل نمیشود و مانند دمل چرکین در بیکر انقلاب ما میماند، یعنی امکان افساد و تیا کردن را خواهد داشت. اکنون به دو ملت: جنگ تحلیلی و کشت پائیزه، تعیین تکلیف اراضی زراعی متعلق به مالکان بزرگ، که دهقانان آنها را کشت و داشت و برداشت میکنند و مشمول بند ج میشوند، پهنه تأخیر می‌افتد.

همه میدانند که این اراضی یا به زور، یا به زور، یا به ترس، طی مدت، از دست کشاورز واقعی خارج شده و به دست بزرگ مالک افتاده است. همه میدانند که این زمینها چگونه در دست یک نفر جمع شده است. از دها و گاه صدها نفر سلب مالکیت شده، حق دها زارع پایمال شده، تا صدها هکتار اراضی غصب گردیده و بصورت املاک وسیع به مالکیت یک نفر بزرگ مالک درآمده است.

ببینید چقدر روشن و صریح اصنام خنثی، رهبر انقلاب، این مطلب را بیان کرده‌اند:

تألیا اربابان دلیلمر ملکیت جز صدقلائی و تصرف عدوانی نداشته‌اند یا آتقد ظلم از طرف ارباب شده و اموالی از کشاورزان گرفته‌اند، که کشاورز میتواند زمینها را بابت طلب خود از

ارباب طلب نمایان.

در واقع امر، اگر نیک بینگری، اراضی بزرگ - مالکی غارتگر غالباً مشمول بند ب میشود، که از جمله به اراضی نسبی، که با زور گرفته شده، نیز مربوط میشود.

بنظر ما، وظیفه مقدسی در برابر هیئت‌های هفتنفری قرار دارد، که همه مسئولان متعهد و انقلابی باید آنها را در انجام این وظیفه‌یاری دهند. این وظیفه، که ماهیت تملک زمینی را تشخیص دهنده و از هم‌آکون، علیرغم لیبیا، ثابت کند که اراضی مالکین غالباً چیزی جز سند قلابی و تصرف عدوانی نیست؛ این وظیفه، که، صحت گته‌های اصنام خنثی را در تمام موارد مشخص ثابت کند و غالب املاک بزرگ مالکان را، که بحق مشمول بند ب است، بگیرند و به صاحبان واقعی آنها بدهند؛ صاحبان واقعی، که خودشان و پدرانشان و اجدادشان، با مرق پیشانی و خون جگر این زمینها را آباد کرده‌اند و همیشه هم غارت شده‌اند، از طرف ارباب ظلم دیده‌اند و مستضعف مانده‌اند.

آری، سخن حق اینجاست که کشاورزی - تواند بابت همه اینها، زمینها را تملک کند و این هیئت‌های هفتنفری هستند که باید این حقیقت گفته اصنام خنثی را ثابت کند و حق رایه حقدار برسانند. چه وظیفه بزرگ و الهامبخش در برابر این هیئت‌هاست، بویژه در شرایط کنونی، بر طرف و فشار اربابان و لیبیاها و روحانی‌نمایان ضد خط امام.

آیت‌الله دکتر پختی، در همان مصاحبه‌ایکه تأخیر اجرای بند ج طی آن اعلام شده، پندری گفته است که خود هیئت‌های واقعی خواهند ماند و در جاها و مناطقی که شرایط مساعد باشد، فعالیت هیئت‌های ۷ نفری ادامه خواهد یافت و این طرح دنبال خواهد گردید، در بقیه نقاط، نیروها فعلاً متمرکز در اجرای بندهای الف و ب خواهد شد. تألید دوباره موجودیت و عمل هیئت‌های ۷ نفری، در برابر فشار تحریبی لیبیاها و روحانی‌نمایان و بزرگ مالکان، که خواستار انحلال کامل این هیئت‌ها بودند، پیروزی نسبی قابل توجهی است که میتواند شالوده فعالیت‌های برتر انقلابی آینده قرار گیرد.

بنظر ما، در ایران تقریباً منطقه‌ای نیست که مساعد برای اجرای قانون و ادامه فعالیت هیئت ۷ نفری نباشد. شاید فقط بتوان برخی شهرستانهای

مستقیماً جنگ‌زده و یا در معرض تاخت و تاز خوانین ضدانقلابی را - فعلاً - مساعد برای کار دانست، و گرنه همه‌جای ایران باید سرای هیئت‌های ۷ نفری و عمل موقی انقلابی و ترقیخواهانه آنها باشد. کدام ناحیه است که املاک وسیع اربابان یا قتل و ستمساز و تصرف بزرگ‌بمست نیامده باشد؟ کدام منطقه است که در واقع غالب املاک بزرگ مالکی را توان مشمول بند ب دانست و در نتیجه توان قانون را در آن اجرا کرد؟ کدام منطقه است که از نظر حمایت از مستضعفین و تقویت پشت جبهه و سرریزیدن به پایگاه طائوفی امپریالیستی برای فعالیت این هیئت‌ها مساعد نیاشند؟

بازهم ببینیم اصنام خنثی در این زمینه دوسال و نیم قبل، چه گفته‌اند و چه وظیفه‌های در برابر مسئولان امور و مجریان قانون قرار دارد. اصنام خنثی میگویند:

درست همین مالکانند که در طول سالها درآمدهای را بر هم انباشته بودند بر آنکه مقررات اصلاحی را خصوصاً توزیع آنها اجرا نمایند و بدین ترتیب ثروتی را که حق جامعه بوده و باید پیغام برسد، نزد خود نگاه‌داشتند و برخلاف قوانین اسلام فروتند شده‌اند، غنی‌خواهی کرد و بر اساس حق و انصاف میان محتاجان مجدداً توزیع خواهیم کرد.

اگر اکنون اجرای این رهنمودهای عیناً انقلابی، موقتا دچار تأخیر دریا، شده و اجرای بند ج معوق مانده، بنظر ما، علتی جز تعدید فشارهای همجانبه، بویژه از طرف لیبیاها و روحانی‌نمایان نداره، و این سلسله باعث تاسف‌هه انقلابیون صدیق و همه هواداران تحکیم جمهوری اسلامی ایران است.

از همان روزهای پیروزی انقلاب، از یکسو لیبیاها، که حتی تا مقام وزیر کشاورزی دولت موقت صعود کرده بودند، به نیروی دستگامدنی و مأموران اداری، و از سوی دیگر روحانی‌نمایان مخالف با اسلام راستین، که با حربه تکفیر و صدور فتاوی به میدان می‌آمدند و میکوشیدند تا دخلق مسلمانان را به‌جان جمهوری اسلامی ایران بیاندازند، به یاور نزدیک بزرگ مالکان بدل شدند. لیبیاها و روحانی‌نمایان ۲۲ ماه است که مانع زمیندارشدن دهقانان رمانع تحکیم انقلاب میشوند.

بنظر ما، تا همه قانون، بطور کامل و قطع، در همه نکات آن، بخصوص بند ج آن، اجرا نشود، بزرگ مالکان و یاوران آنها امکان مانور و تخریب و اعمال ضدانقلابی خواهند داشت. ولی البته آنها در جو انقلابی همین ماه - سرای تصویق اجراء نمیتوانند مدت زیادی شای کتند، مردم ما، هم بر شرایط فاضی از جنگ، هم بر بیبانه‌گشت پائیزه، فائق خواهند آمد و بالاخره این گره را باز و این مشکل را حل خواهند کرد. تمام تشبثات لیبیاها، که حالا در همه سنگرها

در جلسه‌ای مجلس...

بقیه از صفحه ۷

پیشنهادهای مختلف نمایندگان در مورد چگونگی یا انتخاب نماینده قوه مجریه مطرح شد.

بعث بیشتر در مورد این ماده به جلسه بعد موکول شد. سپس لایحه دوفوریتی مربوط به پرداخت مستمرد کارکنان طرح‌های عمرانی در مناطق جنگی مطرح شد. در این مورد چند موافق و مخالف سخن گفتند و از جمله تأکید شد که بر اساس ترتیب پیشینی شده در لایحه مزبور، بسیاری از افراد مهم مناطق جنگی قادر به دریافت

پذیرفته‌اند آنان با آموزش - نظامی به جبهه شتافته‌اند و سلاح بر گه، دوش بدوش برادران هم‌زم خود علیه مزدوران پست عراق می‌زنند و از ایثار جان خویش دریغ نمی‌کنند، و در پشت جبهه به تدارکات جبهه کمک می‌رسانند: زنان و دختران کارگر، به پیروی از توصیه اصنام خنثی، در افزایش تولید و بریاری از واردات کشورهای امپریالیستی کوشا هستند. زنان دهقان در بالابردن تولیدات کشاورزی و رساندن کسور بریز خودکامی تلاش می‌ورزند، زنان مناطق جنگ‌زده که از ریش‌بخت

نزدیک شدند و در یک ستیز رویروی با دشمن با استقامت از سلاحهای سبک کلتانی به مزدوران عراقی وارد ساختند. گزارش خبرنگاران حاکیست که بر اثر رشاکت کم‌تظیر سربازان دلور ماه یک خوددوی نیروهای مزدور بعثی با تمام قرات و نیز یک دستگاه لوادر دشمن بکلی منهدم شد.

در جبهه آبادان در درگیریهای پند از ظهر پروروز بین رژیم‌گان اسلام و نیروهای مزدور دشمن، مدافعان

دارند شکست میخورند و تا یکبارنه در جبهه زمین مزروعی موضع گرفته‌اند، محکوم به شکست خواهند بود. نه اصنام خنثی و بیرون راستین اوروشیانیان صدیق خط امام این اجازه را خواهند داد و نه خود دهقانان. این میلیونها انسان زحمتکش و ترقی‌بند و حق‌پر یار دره حرف آخر را خواهند زد. آنها انقلاب را بدرستی مال خود میدانند، همانطور که اصنام خنثی نیز آرا گفته‌اند. هدفها و راه انقلاب را این مردم تعیین میکنند، همانطور که در گته‌های یادشده، اصنام خنثی نیز با وضوح تمام این راه و هدفها صریح شده است.

اما بزرگ مالکان و لیبیاها و روحانی‌نمایان بدون تردید، هنوز یک نیروی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را تشکیل میدهند، که آرا علیه انقلاب دارند یکبار می‌اندازند، در برابر این نیروی واقعی ضدانقلابی، باید یک نیروی واقعی انقلابی قد علم کند و بر آن پیروز شود. همه هواداران صدیق خط امام باید نیروی واقعی انقلابی دهقانان حقیقی را بسج و متشکل و آگاه کنند و به صحنه بیاورند، تا در مقابل نیروی بزرگ مالکان و یاوران او حرف خود را به گرمی بپوشانند و نیروی ضد انقلابی را درهم شکنند و انقلاب را به جلو ببرند.

نیروی بزرگ مالکان و لیبیاها و روحانی‌نمایان نیروی ضدانقلابی و اجتماعی است. باید نیروی انقلابی و مترقی، دهقانان زحمتکش، انقلابیون صدیق و روحانیت مبارز متشکل و یکپارچه شوند و آن را درهم شکنند.

در این نبرد بر فراز و نشیب بین دو نیروی اجتماعی و مترقی، ضدانقلابی و انقلابی، ضد خلقی و مردمی، فشار یکسوی باعث شده که تئسیی فرا راه آید و باعث تاسف همه انقلابیون شود. اما همین امر میتواند باعث آگاهی و تحریک هم شود و نیروی متقابل را بر رهبری اصنام خنثی و خط ضدانقلابیستی مردمی آورد. خط دفاع از مستضعفین و از جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم و استکبار و استثمار و زورگویی و فساد، برانگیخته و دورانی فراز تازه‌ای را در این راه، یا پست‌س گذاشتن نشیب کنونی، یگشاید.

با اطمینان به درایت و قلمبیت رهبر انقلاب، به‌نیروی تحول‌بخش توده مردم، به‌مشارکت‌خلاقانه، آگاهانه و هشیارانه نیروهای مختلف انقلابی، ما در این جهت عمل میکنیم. از موجودیت هیئت‌های ۷ نفری، از ادامه فعالیت آنها، از ماهیت عمل آنها، که ریشه‌های برای بزرگ مالکی است، در همهجا دفاع میکنیم و سرازه میطلبیم که پاسخ‌نندگان - شکن و قلعع به بزرگ مالکان غارتگر و لیبیاها حامی آنها، که نقش آشکارا ارتجاعی بازی میکنند و روحانی‌نمایان ستیاز آنها، که بدنام‌کننده اسلام راستین‌اننده داده شود.

زمین به دهقان - حق به‌حق‌دار - امکان فعالیت، قلعع و همه‌جانبه به هیئت‌های انقلابی و مردمی هفت نفری، بسود حق و عدالت، به سود مردم زحمتکش و بسود انقلاب!

حقوق خود نیستند. آنگاه نماینده دولت در این مورد توضیحاتی داد و تأکید کرد که بزودی در مورد وضع کارکنان بخش خصوصی نیز لایحه‌ای تهیه خواهد شد. وی همچنین گفت، کارکنان که منطقه را ترک کرده‌اند، شامل این طرح نمی‌شوند.

پس از پایان توضیحات نماینده دولت، درمورد کلیات این لایحه رای‌گیری به عمل آمد و در نتیجه با اکثریت آرا تصویب شد. آنگاه بحث در مورد جزئیات این لایحه شروع شد.

جلسه بعدی مجلس امروز تشکیل میشود.

عراق، هست و نیستشان را درهم کوبیده است، مصائب دوران آوارگی را به‌امید پیروزی‌نهایی و قلمی ما بر دشمن، یاری گشاده پذیرا شده‌اند، زنان و مادران خانهدار در سطح کشور، در حالیکه عزیزان خود را برای دفاع از انقلاب به‌جبهه‌فرستاده‌اند، خود باز گرامی و کمبود را با صرف‌جوشی وقامت تحمل میکنند.

شرکت تودهای و فال‌زنان در جریان انقلاب، درخشان‌ترین مسافتات مبارزات زنان، در راه استقلال و آزادی بود، که اعجاب جهانیان را برانگیخت.

انقلاب اسلامی موفق شدند یا آتش شدید توفخانه سه تانک و دو خوددوی حامل مهمات و تعداد زیادی از سنگرهای دشمن در غرب رودخانه بهمنشیر را منهدم و تعدادی از مزدوران عراقی را از پای درآوردند.

در جبهه اهواز یک مقام آگاه نظامی در اهواز در گفتگویی در ساعت ۱۹:۴۰ پروروز گفت: نیروهای جمهوری اسلامی ایران در جبهه اهواز تلفات و خسارات زیادی منهدم شد.

بقوای کفر وارد ساختند. همین گزارش سرخ‌گسور، پروروز در حوالی کرخه‌گسور، توفخانه و یگان‌های لشکر ۹۲، چهار دستگاه تانک، یک ترقیر، چهار عراده توپ، چهار دستگاه خودرو دو دستگاه لوادر یک دستگاه جرثقیل و دو سنگسردشمن متجاوز را منهدم ساختند. در این عملیات ۵۰۰ مزدور از دست‌دهدند. غنما یک تنگ ۱۰۹ میلیتری نیز در جبهه فارسین منهدم شد.



تعداد بیسابقه بیکاران در انگلستان

بیکاری در انگلستان همچنان رو به افزایش است. آخرین آمار رسمی در لندن حاکی از آن است که شمار بیکاران در انگلیس در ماه نوامبر به دو میلیون و صد و شصت هزار تن رسیده است. این رقم بیکاران بعد از جنگ جهانی تاکنون در انگلستان بیسابقه بوده است.

لبنان صرصه تجاوزات ارتش فاشیستی اسرائیل

نیروهای ارتش صهیونیستی بار دیگر به خاک لبنان تجاوز کردند. به گزارش رسانه‌های گروهی، ارتش اسرائیل چهار کیلومتر در خاک لبنان پیشروی کرده است. برای این حمله نیروهای مسلح سازمان ملل در جنوب لبنان بحال آماده‌باش درآمده‌اند.

افزایش صادرات نفت اتحاد شوروی به کشور های شورای همپاری اقتصادی

دبیرخانه شورای همپاری اقتصادی اعلام کرده در پهنسال آینده صادرات نفت از اقتصاد شوروی به دیگر کشورهای عضو سیریلون تن افزایش خواهد یافت. قرار است بیش از دوست میلیون تن نفت در این مدت به کشورهای عضو شورا صادر شود. برای نفت صادراتی اقتصاد شوروی به این کشورها پتیار کمتر از بهای نفت در بازار جهانی است. در نتیجه کشورهای عضو شورا میلیاردها دلار صرف‌جوشی کرده‌اند. همچنین قرار است، صادرات گاز و مواد معدنی نیز به دیگر کشورهای عضو شورای همپاری اقتصادی افزایش یابد.

اهتصاب وسیع کارگران پست در آلمان فدرال

کارگران پست آلمان فدرال برای اضافه‌حستزد و شرایط بتری کار دست به بزرگترین اهتصاب در تاریخ پست آلمان غربی زدند. دولت آلمان فدرال حاضر نشده است تقاضای بر-حق کارگران را بپذیرد. دولت آلمان فدرال اعلام کرده است برای حصول بودجه تصد دارد در سال آینده بودجه آموزشی و دانشگاهی و بهداشتی را کاهش داده و بودجه کمک به بیکاران را نیز کاهش بدهد. و این در حالی است که گفته می‌شود آلمان فدرال سال آینده بیش از یک میلیون و شصت‌هزار نفر بیکار خواهد داشت.

اعتراض گسترده دانش آموزان و دانشجویان کرانه غربی رود اردن به جنایات اسرائیل

در پی حمله وحشیانه مأموران مسلح صهیونیست به دانشجوین دانشگاه بئریت در کرانه غربی رود اردن موسسات آموزشی سزیمینهای اشغالی همچنان تشنج است. گزارشهای رسیده نشان می‌دهد که در بسیاری از این موسسات، دانش‌آموزان و دانش‌جویان با برپایش تظاهرات گسترده، به جنایات مأموران رژیم تل‌آویو اعتراض می‌کنند و حمایت خود را از سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام می‌دارند. جنایتکاران صهیونیست تل‌کون بارها تظاهرات دانشجوین و دانش‌آموزان را به گلوله پشته‌اند.

دولار ما بلافاصله آنها را زیر آتش قرار داد که در نتیجه آن ۴ دستگاه تانک دشمن منهدم شد. یک تانک از کار افتاد و ۴ تانک دیگر از خط آتش گریخت.

صبح پروروز یک گروه از فدائیان اسلام و اعضای بسیج افراد سپاه پاسداران و سایر نیروهای زومنده مردمی، درحالی که از پشتیبالی آتش توفخانه دلوران ارتش جمهوری اسلامی ایران برخوردار بودند، به‌فصله ۴۰۰ متری سنگرهای متجاوزان در حاشیه جاده آبادان-ماهشیر

جبهه‌های آبادان حفظ کردند. در هر فرصت‌خیراتی به مزدوران صدام وارد آوردند.

دولوران ما صبح پروروز با آتش شدید توفخانه ۴ دستگاه تانک و یک اتاب مهمات دشمن را در امتداد جاده آبادان-ماهشیر منهدم ساختند. در حدود ساعت ۱۴:۳۰ دقیقه صبح پروروز، ۶ تانک دشمن به قصد هدف قرار دادن مواضع نیروهای ما از سنگرهای خود در دریایاب‌های طرف جاده آبادان - ماهشیر خارج شدند و لی آتش توفخانه ارتش

پیروزیان...

بقیه از صفحه ۲

نماند و کوشید تا با ابتکارهای گوناگون و تلاش مداوم، همیار جنگ را بدوش زنان و کودکان ویتنامی سبک سازد و هم امپریالیسم ددشتی آمریکا و هلکردهای تپیکرانه آمرایطیه خلق استقلال‌طلب ویتنام بجهان نشان دهد.

در جریان تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی مترقی نیز این سازمان جهانی با تبلیغات وسیع خود چهره متجاوز را بدون نقاب و مریان در معرض دید جهانیان قرار داده پشتیبانی‌های گریز از جنبش آزادیبخش فلسطین، حمایت فعال و بی‌دریغ از مبارزان اسپانیا و برقتل و یونان و کشورهای آمریکای لاتین در سالهای سلفظرتزیسمایدیکتاتوری دفاع از مبارزان ضد آپارتید در آفریقای جنوبی، دفاع از آزادی دبیوبی، مبارز سیاه پوست و کمونیست آمریکائی، پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران و مبارزات زنان و دختران زومنده ملون، از برگهای درخشان کارنامه فعالیت فدائیسون دموکراتیک بین‌المللی زنان است.

فدائیسون دموکراتیک بین‌المللی زنان برای مبارزات بیکری و اثربخش خود، در سطح جهانی توانسته است موجودیت خود را به‌سازمانهای جهانی، که تا سالیان دراز آنها نادیده می‌گرفته، تحصیل کند. اکنون این سازمان در روند کار سازمان

تکلیات دموکراتیک زنان ایران در سال ۱۳۲۵ و سازمان زنان ایران در سال ۱۳۳۰ به عضویت فدائیسون دموکراتیک بین‌المللی زنان درآمدند. این دو سازمان در رهبری مبارزات زنان ایران برای حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تأمین آزادیهای دموکراتیک، علیه ارتجاع و امپریالیسم، و بظلمت صلح‌جهانی، از رهنمودهای ترقی‌بخش فدائیسون بهره جستند. مبارزات زنان در دوران سلطه استبداد و نبرد دلورانه آنان در جریان انقلاب هزاره مورد پشتیبانی و تصین فدائیسون دموکراتیک بین‌المللی زنان قرار گرفته است.

اکنون که انقلاب ایران شرایط دشواری از حیات خود را می‌گذراند، زنان و دختران ایران با شرکت فعال در جبهه وشت جبهه و با ارائه صحنه‌های لرزاننده از ایثار و قداکاری، یار سنگین جنگ را داوطلبانه

جبهه‌های آبادان حفظ کردند. در هر فرصت‌خیراتی به مزدوران صدام وارد آوردند.

دولوران ما صبح پروروز با آتش شدید توفخانه ۴ دستگاه تانک و یک اتاب مهمات دشمن را در امتداد جاده آبادان-ماهشیر منهدم ساختند. در حدود ساعت ۱۴:۳۰ دقیقه صبح پروروز، ۶ تانک دشمن به قصد هدف قرار دادن مواضع نیروهای ما از سنگرهای خود در دریایاب‌های طرف جاده آبادان - ماهشیر خارج شدند و لی آتش توفخانه ارتش

Advertisement for 'Mardom' newspaper. Includes title 'نامه مردم' (Mardom), address 'ارگان مرکزی حزب توده ایران' (Central organ of the Tudeh Party of Iran), subscription prices for various countries (e.g., West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.), and contact information for the publisher 'خاندان گل گرامی تلگراف' (Xandān Gol Grami Telgraph).

نیروهای زمزمنده...

بقیه از صفحه ۱

علیات همچو گره شید و یا مجروح نشاندند. نیرو دشمن در جبهه آبادان جریان داشت و طرفین به مباد آتش توفخانه پرداختند و رژیم‌گان اسلام با برخورداری از روحیه عالی، پروروز نیز برتری کامل خود را در طول